

## بررسی مؤلفه‌های امنیت شخصی از منظر اندیشه امام خمینی(ره)

سید محمدجواد قربی<sup>۱</sup>

### چکیده

امنیت شخصی یکی از مسائل مهم نظام‌های مردم سالار و اصلی مهم در حقوق بشر محسوب می‌گردد. این بعد از امنیت بر سه رکن اساسی جان، اموال و حیثیت افراد استوار است و به معنای ایجاد شرایط مناسب برای تحصیل و استیفاء حقوق شهروندی و انسانی بدون هراس و مصون از تعرضها می‌باشد. از آنجایی که حریم خصوصی، کرامت انسانی، حفظ دارایی‌های شهروندان، صیانت از حیثیت و آبروی اشخاص برای بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت می‌باشد و همچنان این مسائل در نظام جمهوری اسلامی ایران مهم می‌باشند، این مقاله سعی دارد به این سؤال پاسخ دهد که مؤلفه‌های امنیت شخصی از منظر امام خمینی(ره) کدامند؟ برای پاسخ به این سؤال از روش توصیفی- تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای استفاده گردیده است و مرجع این بررسی‌ها، مجموعه آثار امام خمینی(ره) با محوریت صحیفه امام می‌باشد. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که امام خمینی(ره) به مقوله حفظ و صیانت از امنیت اشخاص توجه ویژه‌ای داشته‌اند و می‌توان فرمان هشت ماده‌ای ایشان را منشور حقوق شهروندی و امنیت شخصی دانست. برخی از مؤلفه‌های امنیت شخصی از منظر امام(ره) شامل؛ برخورداری از آزادی برای شهروندان، پاسداشت حریم خصوصی و شخصی، کرامت انسانی شهروندان، حفظ حیثیت اشخاص در جامعه، ممنوعیت شکنجه با مجرمان و امنیت قضایی می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت، امام خمینی(ره)، امنیت شخصی، شأن انسانی، حق تعیین سرنوشت، آزادی، حریم شخصی، امنیت انسانی و تهدیدات.

## مقدمه

امنیت نیازی بنیادین به‌شمار می‌آید که از بدو آفرینش انسان و حیات آن بر روی زمین، دغدغه پیوسته و مستمر انسان را شکل می‌دهد و تا به امروز در اشکال و سطوح مختلف فردی، جمعی، ملی و بین‌المللی مدنظر بوده است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۱۱). در این میان، امنیت فردی و شخصی نیز یکی از ابعاد مهم امنیت می‌باشد که در اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی در دهه‌های اخیر پیرامون آن و حقوق بشر، حریم شخصی، حقوق شهروندی و رعایت کرامت انسانی بحث‌هایی صورت گرفته است (بهمنی قاجار، ۱۳۸۶)، اما همچنان بحث و مذاقه علمی در خصوص امنیت شخصی و مؤلفه‌های آن محجور می‌باشد و بررسی امنیت شخصی و به‌خصوص مطالعه اندیشه و آراء بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به تعمیق امنیت شهروندان کمک شایانی نماید. یکی از مهمترین جنبه‌های اندیشه و آراء امام خمینی(ره)، امنیت می‌باشد و حلاجی اندیشه‌های ایشان می‌تواند به پایدارسازی و تعمیق ثبات برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت باشد. باید توجه داشت که اشخاص و افراد در جامعه، یکی از مراجع امنیت در اندیشه امام خمینی(ره) می‌باشند و ایشان توجه به آزادی‌های شخصی، پاسداشت کرامت انسان‌ها، حقوق اولیه بشر، صیانت از جان و اموال مردم، پرهیز از تخریب آبرو و حیثیت افراد را مدنظر قرار می‌دادند و حکومت را موظف به رعایت حقوق شهروندان و مقابله با تهدیدات پیش روی انسان‌ها می‌دانستند. بنابراین، ایشان برپایی امنیت شخصی را از حکومت اسلامی خواستار بودند و در این زمینه با مذاقه در مجموعه آراء ایشان می‌توان برخی از این مؤلفه‌های مربوط به امنیت شخصی را دریافت. سؤال اصلی مقاله این است که؛ مؤلفه‌های امنیت شخصی در اندیشه امام خمینی(ره) کدامند؟ برای پاسخ به این سؤال، تلاش گردید با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی، به تمامی آثار امام(ره) رجوع شود و در عین حال، تأکید اصلی بر دوره ۲۲ جلدی صحیفه امام می‌باشد. البته باید توجه داشت که در خصوص اندیشه‌ها و آراء امنیتی امام خمینی(ره) مقالات و کتب و پایان نامه‌های زیادی به رشته تحریر درآمده است، اما بررسی امنیت شخصی در اندیشه ایشان نادیده گرفته شده است و به همین دلیل، این اثر سعی دارد به بررسی امنیت شخصی در اندیشه امام خمینی(ره) بپردازد و خلاءهای موجود در این زمینه را تا حدودی برطرف نمایند.

## چارچوب مفهومی و نظری

برای بررسی و تبیین امنیت شخصی یا فردی لازم است در ابتدا، امنیت و حق امنیت مورد مذاقه قرار گیرد و بعد از آن به بررسی مختصات امنیت شخصی پرداخته شود؛

## امنیت

### الف) نگرش لغوی

«گاردن گراهام»<sup>۱</sup> معتقد است که واژه امنیت را در کنار برخی دیگر از مفاهیم، نظیر آزادی و عدالت، باید در زمره قدیمی‌ترین واژه‌ها در حیات تاریخ بشر دانست و در عین حال، جزء ارزش‌های اساسی زندگی انسانی محسوب نمود (Graham, 1989: 53). امنیت از حیث لغوی برابر نهاد Security است. در زبان انگلیسی این مفهوم از واژه لاتین Securus مشتق شده که به معنای «رهایی از ترس یا نگرانی»<sup>۲</sup>، و یا «امان»<sup>۳</sup>، «اطمینان»<sup>۴</sup>، «حفاظت»<sup>۵</sup> و «صیانت»<sup>۶</sup> به کار رفته است (افتخاری، ۱۳۹۱: ۸۰). در تعریف لغوی، امنیت عبارت است از: محافظت در برابر خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید. در فرهنگ لغات، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بدون بیم و هراس بودن آمده است. به عنوان مثال در فرهنگ معین، امنیت به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی تعریف شده است، در فرهنگ عمید به معنای ایمنی، آرامش و آسودگی آماده است و در فرهنگ المنجد، اطمینان و آرامش خاطر معنا شده است (زین آبادی، ۱۳۹۱: ۷۰). امنیت در زبان عربی در مقابل واژه «خوف» قرار دارد (عطارزاده، ۱۳۸۶: ۷۵) و از ریشه‌ی «امن» به معنای در امان بودن و مصون بودن از هرگونه تعرض و در آرامش و آسودگی بودن از هرگونه تهدید و ترس می‌باشد (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۳۱). خود واژه امن به معنای ایمن شدن و آرامش خاطر و ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن است. واژه ایمان که به معنای باور و یقین قلبی است، از ریشه امن اخذ شده است و در ادبیات قرآنی یکی از صفات حق تعالی، مؤمن است. در دعای جوشن کبیر حضرت حق تعالی با صفت «ذالامن» و «الامان» به معنای صاحب امنیت و امان‌دهی یاد شده است (ترابی، ۱۳۸۶: ۱۲۱). بنابراین، از آنجایی که امنیت از واژه امن گرفته شده است و با آن هم ریشه و معنای هر دو یکی می‌باشد، پس امنیت مترادف با «در امان ماندن» است و هنگامی عینیت پیدا می‌کند که از عوامل و موجبات ترس و وحشت خبری نباشد (صادقیان، ۱۳۸۴: ۷۰).

### ب) نگرش مفهومی به امنیت

پاتریک مورگان<sup>۷</sup> در خصوص ابهام امنیت چنین بیان داشته است که، «امنیت به مثابه سلامتی یا منزلت، نوعی شرایط است که به آسانی تحلیل و تعریف نمی‌پذیرد» (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۰). چنین برداشتی را می‌توان در تعابیر مختلفی همچون، «ابهام آمیز» (Wolfers, 1962: 146)، «پیچیدگی» (هورل و دیگران، ۱۳۸۰: ۵۷)، «لغزان و بی‌ثبات» (Sweeney, 1999)، «چندوجهی» (ماندل، ۱۳۸۷: ۳۸) و مفاهیم مشابه در میان آراء اندیشمندان سیاسی و تئورسین‌های نظامی در باب امنیت مشاهده کرد. «آرنولد

1. Garden Graham
2. Fear or Anxiety
3. Safty
4. Certainty
5. Protection
6. Defense
7. Patrick Morgan

ولفرز» معتقد است که امنیت در یک مفهوم عینی به فقدان تهدیدها نسبت به ارزش‌های اکتسابی تلقی می‌شود (قربی، ۱۳۹۱: ۴۳). در نگرشی مشابه به دیدگاه ولفرز، «جان مروز» بیان می‌دارد که امنیت همان آزادی نسبی از تهدیدهای خطرناک است (عباس زاده، ۱۳۹۰: ۷۶). در تکمیل چنین تعریفی از امنیت، عده‌ای دیگر از اندیشمندان، امنیت را این‌گونه تعریف کرده‌اند؛ مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت و در مورد افراد جامعه به نداشتن هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع مردم تأکید دارند به گونه‌ای که به هیچ وجه حقوق آنان به مخاطره نیفتد و هیچ عاملی حقوق مشروع آنان را تهدید ننماید (رجبی‌پور، ۱۳۸۴: ۸۹). عده‌ای از نویسندگان، همچون «لوسیانی»<sup>۱</sup> به ابعاد تهدید خارجی می‌نگرند و امنیت ملی را این‌گونه تعریف می‌کنند: «امنیت ملی به‌مثابه توانایی مقاومت و ایستادگی در برابر تجاوز از خارج می‌باشد» (تاجیک، ۱۳۷۶: ۶۳-۶۲). «راینسون»<sup>۲</sup> نیز دیدگاهی شبیه لوسیانی دارد و امنیت ملی را ناظر بر صیانت از دولت-ملت‌ها از تهدیدهای داخلی و خارجی نسبت به منافع ملی‌شان می‌داند. البته مصادیق منافع و تهدید از متفکری به متفکر دیگر و از کشوری به کشور دیگر تفاوت می‌کند. «تراگر»<sup>۳</sup> امنیت ملی را بخشی از سیاست حکومت می‌داند که هدف آن ایجاد شرایط سیاسی مطلوب ملی و بین‌المللی در حفاظت یا توسعه ارزش‌های حیاتی ملی در برابر دشمنان موجود یا بالقوه است. «زیگنیو برژنیسکی»<sup>۴</sup> بیان می‌دارد که امنیت ملی چیزی فراتر از امنیت نظامی است و ملاحظاتی همچون زمامداری سیاسی، قدرت اقتصادی، نوآوری تکنولوژیک، حیات ایدئولوژیک و غیره را باید در حوزه امنیت ملی مورد توجه قرار داد و بدون توجه به این مقولات، امنیت ملی شکست خواهد خورد. (کریمی و بابایی، ۱۳۹۰: ۲۶-۲۷) در فرهنگ قرآنی، امنیت مفهومی وسیع، متوازن و عمیق دارد و شامل تمامی ابعاد زندگی و حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، داخلی و خارجی می‌شود و بر الگویی از امنیت تأکید می‌شود که با اقتدار، انسجام، وحدت، ارتباط جامعه اسلامی و استحکام درونی جامعه پیوند دارد و شرط امنیت ملی را در بُعد امنیت خارجی و استحکام درونی امت اسلامی می‌داند و هرگونه دغدغه، نگرانی و ناامنی در یک بُعد را مؤثر در ابعاد دیگر می‌شمارد و هرگونه قوت و قدرت در یک حوزه را منشأ قدرت و اقتدار در حوزه‌های دیگر می‌داند. بنابراین مقوله امنیت در اسلام، پدیده‌ای تک‌بعدی نیست و مواردی متنوع را در خود جای داده است. در حوزه امنیت شخصی نیز قرآن کریم برای حفظ امنیت فردی انسان‌ها در حوزه امنیت جانی، حیثیتی و امنیت روح و روان، حساسیت زیادی نشان داده و برای حفظ آن، راهکارهایی را ارائه کرده است (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۰ و نجف آبادی، ۱۳۷۹: ۲۸۳).

تعاریف یاد شده، بر ضرورت «حفظ وجود خود» متمرکز است. به عبارتی دیگر می‌توان امنیت را حفظ ذات و صیانت نفس از اساسی‌ترین خطرات دانست که شامل مقوله‌های مهم زیر می‌باشد:

الف) حفظ جان مردم،

1. Giaomo Luciani
2. Robinson
3. Frank N. Trager
4. Zebignew Berzhinsky

- (ب) حفظ دین، باورها و ارزش‌های مردم (هویت ملی و دینی)،  
 (پ) حفظ تمامیت ارضی،  
 (ت) حفظ نظام اقتصادی و سیاسی،  
 (ث) حفظ استقلال و حاکمیت کشور (تنهایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۵).



نمودار ۱: مؤلفه‌های امنیت ملی (تنهایی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۵)

در نهایت، امنیت از منظر نگارنده عبارت است از: «مقوله‌ای فراگیر در همه شئون زندگی می‌باشد و به معنای احساس و وجود آرامش، اطمینان قلبی، نشاط فردی و اجتماعی، سلامت جسمی و عقیدتی، رفاه و آسایش عمومی، سعادت مادی و معنوی است و از منظری دیگر، به معنای نبود تهدید، خطر و فتنه، رفع ناامنی‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی و سیاسی است. در عین حال، امنیت ملی اشاره به وضعیتی دارد که هویت جمعی، مرزهای سرزمینی، نظام سیاسی، ارزش‌های اساسی و سرمایه‌های موجود در جامعه از تهدیدات به دور باشند و شرایط برای پیشرفت انسانی و رشد فعالیت‌های اساسی ملی فراهم باشد؛ به گونه‌ای که ارتباط مستقیم و وثیقی با استقلال و پیشرفت همه جانبه دارد و شاخص‌های شناسایی ناامنی نیز مبتنی بر مخدوش‌سازی نظم عمومی و تزلزل در استحکام قدرت مرکزی است».

#### تحول امنیت؛ از امنیت دولت محور تا امنیت انسان محور

برای امنیت دو گفتمان سلبی و ایجابی تصویر نموده‌اند (نک: افتخاری، ۱۳۹۳: ۱۰۳). که در گفتمان و رویکرد سنتی و سلبی امنیت معتقدند که دولت‌ها نخستین عامل تحلیل و بررسی محسوب می‌شوند، به صورت عقلایی رفتار می‌کنند تا از منافع ملی خود احساس رضایت کنند. قدرت و امنیت جزء ارزش‌های اصلی و مهم دولت محسوب می‌شوند (زارعی و دیگران، ۱۳۹۲). در تمامی دیدگاه‌های رئالیستی، نگرش بدبینانه حاکم است. آنارشی (نبود اقتدار مرکزی) جزء ویژگی نظام بین‌المللی است که دولت‌ها را مجبور

می‌کند، خارج از علایق ملی‌شان عمل کنند؛ چنین موقعیت‌آنا‌رشیکی به «بحران امنیتی» منجر می‌شود. قدرت و توان که براساس توانایی‌های نظامی و تلاش برای ایجاد امنیت ارزیابی می‌شود. برایندهای دیدگاه رئالیستی عبارت‌اند از: دولت‌ها، منشاء اصلی تهدید و مسئول اولیه برقراری امنیت محسوب می‌شوند و امنیت ملی به صورت محافظت از دولت در مقابل تهدیدهای خارجی تعریف می‌شود؛ در واقع، تأمین امنیت بین‌الملل به تأمین امنیت ملی دولت، منوط است؛ در چنین حالتی، دولت‌ها مسئولیت اولیه تأمین امنیت خود را برعهده دارند. تهدیدها دارای ماهیت نظامی بوده، پاسخ نظامی را برمی‌تابد؛ با توجه به آنارشیستی بودن وضعیت نظام بین‌الملل، هر دولتی باید این مسئله را در نظر داشته باشد که در هر لحظه امکان تجاوز نظامی به حریم کشورش وجود دارد؛ از این رو، تنها ابزار مقابله با تهاجم نظامی، داشتن قدرت نظامی مناسب است. از آنجا که هر دولتی به صورت بالقوه هم می‌تواند تجاوزگر باشد و هم ممکن است مورد تجاوز دولت‌های دیگر قرار گیرد، بهترین روش تأمین و حفظ امنیت بین‌الملل، تحقق بازدارندگی‌های متقابل میان دولت‌ها و شکل‌گیری موازنه قدرت است. این طرح به تازگی با توجه به گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، بیشتر اهمیت یافته است؛ زیرا این احتمال وجود دارد که چنین قابلیتی ابزار دست کسانی شود که در ساده‌ترین وضعیت‌ها به استفاده از آن تمایل دارند و از این رو، همگی را با خطر انهدام فراگیر مواجه می‌کنند. حفظ حاکمیت و استقلال کشور به مثابه بالاترین ارزش در نظر گرفته می‌شود؛ از منظر رئالیستی، دولت‌ها بازیگران اصلی عرصه روابط بین‌الملل هستند و در رقابت آنها با همدیگر بقای آنها، عالی‌ترین هدف است؛ از این جهت، حاکمیت و استقلال، بالاترین ارزش مورد توجه دولت‌هاست (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۳: ۶-۲).

#### جدول ۱: سطوح امنیت در سنت واقع‌گرایی

سطوح امنیت در سنت واقع‌گرایی		
سطح فردی	سطح دولت-کشور (امنیت ملی)	سطح سیستمی (امنیت بین‌الملل)
افراد در وضع طبیعی، پیدایش معمای امنیت و بقا	دولت به عنوان یگانه کارگزار در امور	ساختار نظام بین‌الملل، اصل آنارشی، ایجاد اصل خودباوری
شکل‌گیری قرارداد اجتماعی	پیوند میان دولت و ملت؛ وجود یا عدم وجود بحران هویت، مشروعیت و اقتدار و نفوذ	بقای نظام به عنوان بالاترین ارزش، شکل‌گیری تهدیدهای ساختاری ناشی از توزیع قدرت
شکل‌گیری جامعه با کارگزار امنیت	زیرساخت‌های مالی دولت ملی یا کشور	شکل‌گیری حوزه تهدیدهای بیرونی شبه واحدها ناشی از ساختار نظام
شکل‌گیری تهدیدهای مختلف در جامعه	شکل‌گیری انواع مختلف کشورها از بعد قدرت ملی و قدرت اقدام	معضل امنیت بین‌المللی
خشونت ساختاری دولت	پدیدآمدن حوزه آسیب‌پذیری‌ها و محقق شدن تهدیدها	
ناکارایی دولت در ایجاد نظم	شکل‌گیری معمای امنیت	

(منبع: قاسمی، ۱۳۸۷: ۳۰)

ویژگی‌های این گفتمان سنتی عبارتند از: تعریف امنیت به حفظ بقاء و موجودیت، طبیعت منشاء اصلی تهدید، اصالت همکاری، فرد- گروه محوری، تقدم امنیت ذهنی و استقلال مفهومی امنیت (خلیلی، ۱۳۸۳: ۱۴-۱۰). در اندیشه‌ی سیاسی مدرن و نظریه‌ی ابعاد امنیتی، دولت در فضای آنارشی، مسئول امنیت و مراقبت از آن است. از این دیدگاه، دولت‌ها موضوع اصلی امنیت هستند؛ زیرا دولت ملی چارچوب نظم (در قبال آنارشی) و مرجع حاکمیت است. بوزان با این نتیجه‌گیری که اولاً دولت موضوع امنیت است و دیگر اینکه دولت ملی چارچوب و مرجع تأمین امنیت است، غیرمستقیم به این نکته اشاره دارد که دولت ابتدا باید امنیت خود را به‌عنوان سازمان مرجع، تأمین کند تا بتواند به ایفای وظایف امنیتی بپردازد. برای همین است که او به اهمیت دولت و حفظ شأن، اقتدار و جایگاه آن از طریق تشریح امنیت می‌پردازد. دولت در دیدگاه بوزان (معطوف به امنیت) شامل سه حوزه مرتبط به هم است که هر سه باید از تهدید و خطر رها باشد تا امنیت حاصل آید. مردمان و دولت‌ها همواره یک تلقی و دریافت از فلسفه و اصول دولت و حکومت دارند که تاریخی و فرهنگی، یعنی برآمده از اصول، باورها و ارزش‌های آنهاست، آنها در ذهن خویش برای دولت وظایف و مأموریت‌هایی قائل‌اند که در امور مختلف آنها را انجام می‌دهد. بی‌گمان یکی از وظایف همیشگی دولت، دفاع از کشور و برقراری نظم بوده است. این ذهنیت و ایده وقتی تحقق می‌یابد که یک سرزمین معین و دارای مرزهای روشن باشد و دیگر آنکه دولت باید تأسیسات حکومتی و اجرایی لازم را برای عمل و اجرا داشته باشد تا بتواند از طریق آن، به وظایف خود بپردازد و ایده را تحقق بخشد. در این سه مؤلفه و سه عنصر مرتبط به هم اگر فردی یا جمعی دچار تهدید شوند، امنیت دولت و جامعه به خطر می‌افتد (اردکانی و شاکری، ۱۳۸۸: ۷۵-۷۰).

گفتمان نوین، امنیت را بر مبنای تکرر تعریف می‌کند و امنیت مبتنی بر نظام بسته را شکننده و غیرقابل دوام می‌داند. به همین دلیل هم معتقد است که تکررگرایی در سیاست، فرهنگ و اقتصاد و پذیرش اختلافات فکری، سیاسی و قومی عامل اصلی تأمین امنیت کشور است و تلاش برای تحمیل یک الگوی فکری از لحاظ فکری، سیاسی و اقتصادی، پیامدهای امنیتی ناگواری برای جامعه به دنبال خواهد داشت. گفتمان نوین، از لحاظ فرهنگی، مهم‌ترین تهدید را در شکاف بین اندیشه و عمل نخبگان می‌داند. در این صورت، از لحاظ نظری و عملی بین اقدامات و گفتارهای آنها تناسب وجود ندارد و همین مسأله، موجب بی‌اعتمادی نسبت به اصول ارزشی مورد تبلیغ نظام شده و به تدریج باعث افزایش شکاف بین نظام ارزشی تبلیغی و نظام ارزشی واقعی مردم می‌شود. این گفتمان، در عین حال برای حفظ مردم از آثار زیان بار فرهنگ‌های بیگانه، به مصون سازی و غنی سازی فرهنگی بیش از محدودسازی اهمیت می‌دهد. مقابله با جریان جهانی سازی فرهنگ را تنها از طریق فرهنگ سازی مبتنی بر آموزش و بازسازی ارزش‌های دینی و معنوی در فضای جدید ممکن می‌داند. از لحاظ سیاسی، نسبت به امنیت، رویکردی نرم افزاری داشته و مهم‌ترین تهدیدها را در فقدان مشروعیت سیاسی، انسجام و یکپارچگی و ظرفیت پایین سیاسی و ناتوانی و ناکارآمدی اقتصادی دانسته و زمینه تأثیرگذاری تهدیدات خارجی را در هر بعدی (فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) در خلاء و ضعف درونی می‌بیند. به همین دلیل برای فرآیند توسعه سیاسی

اولویت بسیار زیادی قائل بوده و بازسازی اقتصادی کشور را بدون بازسازی ساخت سیاسی، غیرقابل تحقق می‌داند. از دید گفتمان نوین، بروز شکاف بین امنیت حاکمیت و امنیت مردم، یکی از مهم‌ترین تهدیداتی است که می‌تواند به چالش‌های عمیقی در داخل منجر شود. بنابراین، برداشتی از امنیت را ارائه می‌کند که در مقام ارزش‌گذاری، امنیت مردم را بر امنیت حکومت ترجیح می‌دهد و از لحاظ عملی هم امنیت نظام سیاسی و امنیت مردم را دو روی یک سکه می‌داند (رنجبر، ۱۳۷۹: ۹۱-۶۴). گفتمان نوین درباره ارزش‌ها علاوه بر اینکه به باز تعریف آنها می‌پردازد، از این دید، بروز شکاف میان نظام ارزشی حکومت و نظام ارزشی مردم تهدیدزا بوده و تلاش برای ایجاد هماهنگی بین این دو نظام ارزشی ضروری است و لازمه آن، پای بندی دولت به خواست‌های جدید مردم است. بر این اساس، نظام سیاسی باید اهداف معنوی را در قالب‌های نوینی به جامعه القاء کند. در عین حال این گفتمان، به ارزش‌های جدیدی مانند: رعایت حقوق و آزادی‌های فردی، دموکراسی و حق حاکمیت مردم اعتقاد دارد و توجه به این حقوق را جزء ارزش‌های اساسی جامعه و رعایت آنها را جهت تحکیم و ثبات سیاسی و امنیت بلندمدت، ضروری می‌داند. بر اساس این تعریف، ارزش‌های مذکور، نه تنها با ارزش‌های دینی تضادی ندارند بلکه مهم‌ترین بستر تحقق ارزش‌های دینی در جامعه به‌شمار می‌روند. در اینجا برخی از ویژگی‌های گفتمان نوین را به‌طور خلاصه احصاء می‌کنیم:

الف) نقد نگرش سخت‌افزاری به امنیت ملی؛

ب) تأکید بر ابعاد داخلی امنیت ملی؛

ج) امنیت مردم - امنیت حاکمیت؛ و

د) عمل‌گرایی در سیاست خارجی (رنجبر، ۱۳۷۹: ۹۱-۶۴).

بنابراین، همگام با وقوع چالش‌ها و تهدیدات نوظهور در عرصه بین‌المللی، مفهوم امنیت نیز دچار تحول مفهومی شده (قیصری، ۱۳۹۲: ۴۶) و ضمن ایجاد نوعی تغییر پارادایمی از الگوی امنیت دولت - محور به سوی الگوهای امنیت انسان - محور، موضوعاتی نظیر امنیت انسانی و محافظت از موجودیت تمام ابناء بشر، اهمیت یافته است. از سوی دیگر چنانچه امنیت مؤید یک نوع تعادل در ساخت‌های مختلف دانسته شود، هر عنصر ضد تعادلی می‌تواند برهم زنده امنیت و بالتبع زمینه‌ساز ناامنی شود (فیروزآبادی و سرخیل، ۱۳۹۳: ۶۹). کنسرسیوم کانادایی امنیت انسانی در سال ۲۰۰۷، امنیت انسانی را رهیافت مردم‌محور به سیاست خارجی تعریف کرده که ثبات پایدار را متکی به حفظ مردم از خطرات و تهدیدات علیه حقوق، سلامتی و حیات آنها می‌داند و برخلاف امنیت ملی به تهدیدات علیه امنیت افراد جامعه توجه دارد و مطالعات امنیتی را به دفاع از مرزها محدود نمی‌کند. بنابراین، در رهیافت دفاع همه‌جانبه، در کنار توجه به ابعاد نظامی مقابله با تهدیدات، به تهدیداتی که از جانب موضوعات مرتبط با امنیت انسانی مطرح می‌شود نیز باید توجه گردد (صباغیان، ۱۳۹۲: ۸۹).



جدول ۲: مقایسه امنیت دولت محور و امنیت انسانی (انسان محور)

امنیت	دولت محور	انسان محور
موضوع	دولت	افراد
تهدیدات	تهدیدات مستقیم دیگر دولت‌ها	تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم دیگر دولت‌ها و بازیگران غیردولتی
ابزارها	ماهیت و منشا تهدید غالباً نظامی است. قدرت نظامی به عنوان ابزار اصلی و به طور یک جانبه جهت تحقق امنیت دولت به کار می رود. توازن قدرت به عنوان اصل امنیت بخش نظام بین الملل است. همکاری میان دولت و ملت‌ها چندان قابل اتکا نیست. هنجارها و نهادها به خصوص در عرصه امنیتی و نظامی قابلیت چندان ندارد.	تهدید حالت غیرنظامی و نرم افزاری پیدا می کند. قدرت نظامی در کنار سایر ابزارها نظیر تحریم‌ها به کار می رود و توسعه انسانی به عنوان محور کلیدی امنیت انسانی می باشد. توازن قدرت نظامی اولویت ندارد، بلکه قدرت نرم به نحو قزاینده ای مهم است. همکاری میان دولت‌ها، سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های دولتی می تواند موثر و پایدار باشد. هنجارها و نهادها مهم هستند و ائتلاف‌ها در قالب سازمان‌ها اهمیت دارد.

(منبع: فیروزآبادی و سرخیل، ۱۳۹۳: ۷۴)

### رویکرد نوین به مقوله امنیت؛ امنیت شخصی در پرتو رهیافت امنیت انسانی

به اعتقاد توماس اریکسون<sup>۱</sup>، امنیت انسانی یک عنصر کلیدی در اندازه‌گیری از رفاه بوده و به‌مثابه یک موضوع داغ در مطالعات مردم شناسی و توسعه است (Eriksen, 2010). از این رو، دو پارادایم امنیت انسانی و توسعه پایدار انسانی، پس از پایان جنگ سرد و با پیش‌گامی ارگان‌های سازمان ملل مطرح شده‌اند. طرح دو پارادایم مذکور، نشان از آن دارد که محققان و پژوهشگران مطالعات امنیت ملی، در پارادایم‌های سابق کاستی‌هایی مشاهده می‌کردند. از این‌رو، در نگاهی دقیق‌تر، معلوم می‌شود هر دو پارادایم از موضوعات مشابهی انتقاد و راه‌حل‌های مشابهی مطرح می‌کنند. بنابراین، بین آنها هم‌پوشانی‌ها و شباهت‌های قابل توجهی دیده می‌شود؛ از جمله اینکه هر دو بر ستون‌های مشترک جامعه، اقتصاد و محیط زیست با تأکیدات متفاوت تکیه می‌کنند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۵۲۷). امنیت انسانی به‌مثابه رهیافتی مردم محور، همه‌گیر و معطوف به رضایت و کرامت بلند مدت انسانی می‌باشد (پورسعید، ۱۳۸۷: ۵۴۵) و به تعبیر گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، «دغدغه و دل‌نگرانی‌ای درباره‌ی تسلیحات و جنگ‌افزارها نیست، بلکه دغدغه‌ای درباره‌ی زندگی انسان و ارزش والای آن است» (UNDP, 1994). این بعد از امنیت، دارای دو رکن رهایی از ترس و رهایی از فقر/نیاز می‌باشد. امنیت انسانی در قالب هفت مؤلفه نسبت به دسته‌بندی تهدیدات اعم از سنتی و جدید اقدام نمود و فرد انسان را در کانون ملاحظات خود قرار داد. از آنجا که امنیت انسانی و حقوق بشر در بسیاری از مصادیق و موضوعات هم‌پوشانی دارند و

1. Thomas Hylland Eriksen

دارای ظرفیت لازم برای تأثیرگذاری متقابل می‌باشند، می‌توان چنین استدلالی را پذیرفت که امنیت انسانی به‌عنوان یک مفهوم بالقوه هنجارساز با قرارگرفتن در متن مباحث حقوق بشر، تأثیر زیادی بر تضمین و ارتقاء آن داشته است (گل‌پذیر، ۱۳۹۱ و آیل، ۱۳۹۰).

از منظری دیگر، امنیت شخصی یا فردی با تأکید بر «در امان بودن جسم و جان فرد از آسیب‌ها و خشونت‌های شخصی» (See: Powell, 2007). به‌عنوان یکی از ابعاد هفت‌گانه امنیت انسانی در گزارش سال ۱۹۹۴ توسعه انسانی برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ریشه در حق حیات، کرامت ذاتی انسان‌ها و دو حق بشری حق بر امنیت و حق بر تأمین تمامی انسان‌ها و اعضای جامعه بشری دارد. اهمیت این حقوق انسانی موجب آن شده است که به‌عنوان یکی از مهم‌ترین حقوق بشر، جایگاه ویژه‌ای در اسناد مهم بین‌المللی حقوق بشری و همچنین قوانین اساسی کشورها به خود اختصاص داده‌اند. دولت‌ها که از ابتدا به عنوان نهادی جهت حفظ و حراست از انسان‌ها پدید آمده بودند، در گستره این اسناد الزام آور ملی و بین‌المللی، تعهدات گسترده‌ای برای تأمین امنیت فردی انسان‌ها عهده‌دار شده‌اند. در پرتو این متون بین‌المللی می‌توان سخن از تحول بنیادین وظیفه دولت‌ها در خصوص امنیت فردی انسان‌ها راند، زیرا دولت‌ها که در تلقی سنتی، در خصوص امنیت فردی شهروندان خویش تعهداتی بر عهده داشته‌اند، در این تلقی نوین با تحول مفاهیم و تعهدات بین‌المللی و همچنین با ظهور گفتمان حقوق بین‌المللی بشر و الگوی امنیت انسانی، تعهدی انسانی و فراملی به حفظ امنیت تمامی انسان‌ها یافته‌اند. در نتیجه، به لحاظ ارتباط حیاتی امنیت فردی برای انسان‌ها، دولت‌ها مکلف و ملزم به حفظ آن برای تمامی افراد اعم از تابعان خویش و دیگر افراد انسانی به لحاظ جایگاه انسانی و کرامت ذاتی انسانی آنها هستند (رهامی، ۱۳۹۴: ۱۸۵). ماده سوم اعلامیه جهانی حقوق بشر<sup>۱</sup> (۱۹۴۸) بیان می‌دارد که «هرکس حق دارد از حیات، آزادی و امنیت شخصی برخوردار باشد» در عین حال، ماده نهم میثاق بین‌المللی حقوق مدنی-سیاسی<sup>۲</sup> (۱۹۶۶) مقرر می‌دارد «هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر، بازداشت و زندانی کرد و از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد مگر طبق آئین دادرسی قانونی» در ماده پنجم کنوانسیون اروپایی حقوق بشر<sup>۳</sup> (۱۹۵۰) آمده است: «هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. آزادی و امنیت شخصی به‌عنوان یک مفهوم مرکب اخذ شده و نباید به‌عنوان موضوعی مجزا توسط دادگاه تفسیر شود» (علیزاده و کاویانی، ۱۳۹۰: ۲۶۰ و صادقی و ابراهیمی منش، ۱۳۹۳: ۱۷۴-۱۷۳).

خاستگاه فردمحوری در بسیاری از رویکردهای امنیتی وجود دارد (تیگرشتروم، ۱۳۸۹). به‌طور مثال، نظریات انتقادی نیز فرد را موضوع نهایی امنیت می‌دانند و رهایی و آزادی فرد از تهدیدات و مشکلات را مترادف امنیت می‌انگارند و یا اینکه فمینیست‌ها، که بخشی از مطالعات امنیتی را به خود اختصاص داده‌اند، با تأکید بر حقوق فرد و لزوم تأمین امنیت او، نظریات خود را بیان می‌کنند (ره پیک، ۱۳۸۶: ۱۱). به هر

1. The Universal Declaration of Human Rights
2. International Covenant on Civil and Political Rights
3. The European Convention on Human Rights

روی، حرمت و استقلال فردی، به‌خصوص حق حیات، آزادی بیان و مالکیت (هاشمی، ۱۳۸۴). از جمله رهاورد‌های نظام لیبرال و دموکراسی است. در این قبیل نظام‌ها فرد به واسطه انسان بودن و برخورداری از عقل، مورد احترام است و هیچ قاعده‌ای نمی‌تواند آن حقوق را مشروط یا انکار نماید، مگر اینکه خود فرد با رأی خود و مطابق قرارداد اجتماعی نسبت به تحدید حقوق خود مبادرت نماید. بر این اساس، امنیت شخصی هنگامی تأمین می‌شود که؛ اولاً؛ حقوق پایه‌ای و حیاتی او به رسمیت شناخته شود و این رسمیت در قالب منشور ملی یا قانون اساسی مینا قرار گیرد. ثانیاً؛ دفاع از حقوق اساسی مصرح در قانون، به‌صورت نهادینه و از طریق ساختارها صورت پذیرد و تحت الشعاع علایق و سلیق شخصی، حزبی و فکری قرار نگیرد. ثالثاً؛ نهادها و نیروهای حراست‌کننده از حقوق اساسی افراد، باید پاسخگو باشند، یعنی برای مدت معلوم و فقط برای مقطع زمانی مشخصی، نمایندگی مردم را داشته باشند و برای اعمال و تصمیمات خود پاسخگو باشند. بالاخره اینکه تدارک حقوق فردی نباید صرفاً حالت درمانی و پسینی داشته باشد بلکه نهادهای مسئول باید منابع تدارکاتی و اقدامات پیشگیرانه را در اولویت قرار دهند و به برخورد انفعالی با ناامنی‌های فردی اکتفا نکنند (نصری، ۱۳۹۰: ۸۷-۸۶).

امنیت شخصی به بخش یا سطحی از امنیت اشاره دارد که موضوع اصلی آن فرد است. به تعبیر دیگر، «فرد» مهم‌ترین موضوع یا مرجع امنیت تلقی می‌گردد. بسیاری از رویکردهای امنیتی خاستگاه فردمحوری دارند. به‌طور مثال، نظریات انتقادی نیز فرد را موضوع نهایی امنیت می‌دانند و رهایی و آزادی فرد از تهدیدات و مشکلات را مترادف با امنیت می‌انگارند. در عین حال، فمینیست‌ها که امروزه بخشی از مطالعات امنیتی را به خود اختصاص داده‌اند با تأکید بر حقوق فرد و لزوم تأمین او، نظریات خود را در مورد زنان بیان می‌کنند. در عین حال، رشد نظریات و مفهوم امنیت انسانی نیز نگاه فردمحوری را تقویت کرده است. امنیت فرد محور اگرچه از یک جهت، رویکردی با سطح تحلیل خرد به‌نظر می‌رسد اما از جهت دیگر در بالاترین موقعیت تحلیلی قرار می‌گیرد و حتی از سطح تحلیل امنیت جهانی نیز فراتر می‌رود، زیرا نگاه فردگرایانه عمومیت و شمول بیشتری دارد و مقید به هیچ قید سرزمینی، دولتی، بین‌دولتی و یا حتی موضوع جهانی نیست بلکه تنها فرد انسانی به‌طور مطلق مورد توجه آن است (ره پیک، ۱۳۸۶: ۱۲-۱۱).

امنیت شخصی<sup>۱</sup> یکی از مهم‌ترین حقوق بشری است (Nowak, 2005 and Macovei, 2004) که در اعلامیه‌های جهانی و مبانی حقوق بشر نسبت به آن تأکید شده است (آشوری و قاجار، ۱۳۸۷: ۲) و علت این تأکیدات نسبت امنیت در حوزه فردی و شخصی را می‌توان این‌گونه بیان داشت که؛ امنیت شخصی وضعیت مطلوبی است که انسان در آن ضمن اطمینان از عدم تعرض به حقوق فردی خود، زمینه‌ای را فراهم می‌بیند تا بهبود آنها، بهره‌مندی از امنیت فردی را به نفع خود افزایش دهد (علیزاده و کاویانی، ۱۳۹۰: ۲۵۷).

حق امنیت شخصی به‌عنوان یک حق ذاتی و مستقل، وضعیتی است که انسان می‌تواند با آرامش خاطر که نتیجه مستقیم آن وضعیت است، در آن، همه حق‌های خود را بدون هراس از تهدید دیگران و مصون از تعرض آنها استیفا کرده و شرایط حداقلی برای گذران زندگی عادی خود را دارا باشند (کاویانی، ۱۳۹۰: ۱۱۱). بنابراین، امنیت شخصی به معنای وسیع آن در برگیرنده حق هر کس برای زندگی، حفظ حریم خصوصی، برخورداری از یک دادرسی منصفانه، آزادی برای رفت و آمد و اختیار مسکن، ایمنی در برابر اعمال مغایر کرامت انسانی، همچون؛ اسارت، تملک، بهره‌کشی، بردگی و شکنجه و نیز امنیت نسبت به توقیف خودسرانه و غیرقانونی است (بهمنی، ۱۳۸۷: ۱۶۶ و سلامی و مرتضوی، ۱۳۹۴: ۷۹-۳۹). در این راستا، رفتار کرامت محور سیستم قضایی در شاخص‌هایی چون رعایت اصل برائت، بازجویی، بازداشت، تحقیقات و غیره تأثیر مستقیم در حفظ حقوق شهروندی مردم و امنیت شخصی آنها دارد و عدم رعایت آن موجب پایمان شدن حقوق انسانی به بهانه حفظ مصالح دولت و نقض امنیت انسانی می‌گردد و در شکل‌گیری شخصیت ضداجتماعی در فرد کمک می‌نماید و به باور جرم‌شناسان، به جای عدالت، خشونت ترویج می‌نماید (رهامی، ۱۳۹۳). با این تفاسیر، مردم حق دارند که در جامعه در معرض ضرر قرار نگیرند و از ضرر دیگران مصون باشند. دیگران نیز موظفند در روابط اجتماعی خود حق کسی را ضایع نکنند. چنین نگرشی نشان می‌دهد که امنیت شخصی به این نکته توجه دارد که فرد باید از هرگونه تعرض، تجاوز و ضرر از سوی دیگران به دور باشد (منتظر قائم، ۱۳۸۱: ۵۳). عدم دخالت دولت در زندگی خصوصی افراد، ضامن امنیت شخصی آنان می‌باشد. حوزه خصوصی زندگی افراد باید مصون از هرگونه تعرض و دخالت بی‌رویه و غیرقانونی دولت باشد و هرگونه اقدامی برخلاف این اصل به معنای نقض امنیت شخصی افراد است. معمولاً نظام‌های توتالیتر، حوزه‌های عمومی و خصوصی را در هم می‌آمیزند و هرگونه دخالت ناروایی را در زندگی شخصی و خصوصی افراد مجاز می‌شمارند که باعث پیدایش وضعیت سیاسی و زندگی غیرقابل تحمل در جامعه می‌شود و این در حالی است که یکی از اصول دموکراسی همانا رعایت آزادی افراد در زندگی خصوصی و انتخاب آزادانه آن بوده است. امنیت شخصی و مصونیت حوزه خصوصی، طیفی گسترده را شامل می‌شود که نه تنها شامل جان و مال افراد، بلکه شامل مسکن آنان نیز می‌گردد و بدون اجازه نمی‌توان وارد خانه کسی شد. بنابراین حفظ حقوق افراد در حوزه‌های خصوصی زندگی و احترام به شخصیت انسانی آنان از ضرورت‌های اولیه شکل‌گیری جوامع دموکراتیک می‌باشد و اگر نظام سیاسی ادعا کند که دموکراتیک است، حقوق شخصی باید معمول باشد (رنجبر، ۱۳۸۲: ۷۵-۷۴). با این تفاسیر، امنیت شخصی را می‌توان به سه قسم تقسیم کرد؛ اولاً؛ امنیت جانی؛ جان انسان‌ها محترم است و نباید برخلاف توجیه عقلانی و دینی به تصرف در جسم و جان دیگران پرداخت. ثانیاً؛ امنیت آبرویی؛ حیثیت و آبروی انسان‌ها حائز اهمیت است و چون آبروی آنها مهم‌تر از اموال آنها است، کسی حق ندارد به آبروی دیگران تعرض کرده و آنها را تحقیر نماید. ثالثاً؛ امنیت زندگی خصوصی؛ این بعد از امنیت شخصی اشاره به امنیت مسکن، محل کار، رفت و آمد، مکاتبات، اسرار و دارایی شخص دارد و

تأکید دارد که تجسس در امور شخصی و حریم خصوصی افراد در منزل امری ناپسند است. (منتظر قائم، ۱۳۸۱: ۶۱-۵۸ و نک: خواجه پیری، ۱۳۹۲).

### امنیت شخصی از منظر اندیشه امام خمینی(ره)

امنیت شخصی و فردی در بیانات و اندیشه امام خمینی(ره) قابل رویت و رصد است و این بُعد از امنیت را می‌توان با عنوان «آزادی‌های شخصی و حقوق فردی» مورد مذاقه و کنکاش قرار داد. امام اعتقاد دارند که امنیت نه تنها مربوط به دولت و نهادهای حکومتی نیست بلکه دارای وسعت زیادی است و شهروندان و مردم را هم به مثابه ولی‌نعمتان نظام سیاسی اسلامی در بر می‌گیرد. مهم‌ترین موضع‌گیری امام خمینی(ره) درباره لزوم حفظ حریم خصوصی افراد، رعایت حقوق فردی و امنیت شخصی نیز فرمان مشهور هشت ماده‌ای ایشان است که در تاریخ بیست و چهارم آذرماه ۱۳۶۱ خطاب به مسئولان اجرایی و قضایی کشور صادر فرمودند. اینکه امام خمینی(ره) چنین موضوعی را نه در قالب سخنرانی و توصیه، بلکه در قالب فرمان لازم الاجرا صادر فرمودند، نشان دهنده اهمیت و توجه بسیار ایشان به لزوم رعایت امنیت حوزه شخصی و حریم خصوصی افراد است. فرمان تاریخی امام خمینی(ره) در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی در شرایطی صادر شد که عده‌ای به نام دین و اسلام به محل کار و منازل مردم هجوم می‌بردند و آنها را مورد هتک و توهین و آزار قرار می‌دادند که امام به شدت با آنها مخالفت کردند. از دیدگاه امام خمینی(ره) این‌گونه برخورد با افراد، خارج از ضوابط شرعی است و موجب فساد می‌شود و همان‌طور که در فرمان هشت ماده‌ای اعلام می‌کنند؛ علاوه بر اینکه افراد را از توسل به چنین اقدامی به هر انگیزه‌ای باز می‌دارند، دولت را هم موظف به جلوگیری از این اقدامها و مجازات متخلفین می‌کنند.

امام خمینی(ره) با صدور فرمان هشت ماده‌ای، اولاً؛ افراد را از توسل به اقدامات خودسرانه باز می‌دارند و ثانیاً، دولت و قوه قضاییه را مسئول جلوگیری از این‌گونه کارها می‌دانند. مبنای مخالفت امام با اقداماتی از این دست، آن است که ایشان آنها را از مصادیق ظلم می‌دانند و از آنجا که از دیدگاه ایشان، بزرگ‌ترین هدف اسلام و انقلاب اسلامی نیز برقراری عدالت است، به شدت با آنها مخالفت می‌نمایند و تأکید می‌کنند که حتی به نام دین هم این اقدامها قابل توجیه نیست (رجایی و فکری، ۱۳۹۰: ۶۰-۵۳).

مهم‌ترین نکاتی که در فرمان هشت ماده‌ای امام خمینی(ره) قابل تشخیص است، عبارتند از:

لزوم اسلامی نمودن احکام قضایی و تهیه قوانین شرعیه و تصویب و ابلاغ سریع‌تر آنها؛ تأکید بر استقلال و قاطعیت قضات واجد شرایط اسلامی در قضاوت و داوری به‌گونه‌ای که ملت از صحت قضا و ابلاغ و اجرا و احضار، احساس آرامش قضایی نمایند و احساس کنند که در سایه احکام عدل اسلامی جان و مال و حیثیت آنان در امان است؛ احضار و توقیف افراد بدون حکم قاضی که بر اساس موازین شرعی است جایز نمی‌باشد و تخلف از آن موجب تعزیر است؛ تصرف در اموال منقول و غیرمنقول بدون حکم حاکم شرعی که بر اساس موازین صادر گردیده جایز نیست؛ ورود به مغازه‌ها و محل کار و منازل افراد بدون اذن صاحب‌خانه برای جلب یا به نام کشف جرم و ارتکاب گناه ممنوع است؛ شنود تلفن، گوش دادن

به نوار ضبط صوت دیگران به نام کشف جرم جایز نیست؛ تجسس از گناهان غیر و دنبال اسرار مردم بودن جایز نمی‌باشد؛ فاش ساختن اسرار مردم جرم و گناه است؛ تجسس در صورتی جایز است که برای کشف توطئه‌ها و مقابله با گروهک‌های مخالف نظام جمهوری اسلامی که قصد براندازی نظام و ترور شخصیت‌ها را دارند و تنها به شرط مطمئن بودن جایز است؛ در صورت جواز تجسس باید ضوابط شرعی رعایت گردد و یا دستور دادستان باشد چرا که تعدی از حدود شرعی نسبت به آنان نیز ناروا است؛ اگر مأموران قضایی از روی خطا و اشتباه وارد منزل شخصی یا محل کار خصوصی شدند و با آلات لهو و قمار و فحشا و موادمخدر برخورد کردند حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند و هیچ کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان نماید و از ضوابط شرعی تعدی کند و حق جلب آنان را نیز نداشته و تنها باید نهمی از منکر کنند؛ قضات حق ندارند حکمی صادر کنند که مأموران اجازه ورود به منازل یا محل کار افراد را داشته باشند که نه خانه امن و تیمی است و نه محل توطئه علیه نظام؛ مسئولین قضایی و اجرایی موظف به جلوگیری از امور ذکرشده هستند؛ قابل قبول و قابل تحمل نیست که به اسم انقلاب و انقلابی بودن به کسی ظلم شود و کارهای خلاف مقررات الهی و اخلاق اسلامی از اشخاص صادر شود؛ مردم باید احساس آرامش و امنیت کنند و قوه قضاییه و دولت را پشتیبان خود بدانند (رجایی و فکری، ۱۳۹۰: ۶۰-۵۳).

با این اوصاف، امنیت شخصی که از مهمترین حقوق فردی است، در اندیشه امام قابل بازشناسی است؛ به این معنی که فرد در رفت و آمد، اختیار مسکن در داخل یا خارج از کشور و در زندگی و روابط خصوصی آزاد بوده و از هرگونه تعرض و تجاوز نسبت به جان و مال، خانه و زندگی خود مصون باشد. آزادی‌های شخصی به‌مثابه بن مایه امنیت شخصی، پایه و شالوده حقوق و آزادی‌هاست؛ زیرا وقتی جسم انسان آزادی یا تأمین نداشته باشد، استفاده از سایر حقوق و آزادی‌ها نیز برای او مفهومی نخواهد داشت. مثلاً وقتی شخص بازداشت یا زندانی بوده و یا اساساً امنیت شخصی نداشته باشد، برای او تمتع از آزادی کار، آزادی اجتماعات و آزادی سیاسی نیز امکان‌پذیر نخواهد بود و در حقیقت با فقدان آزادی شخصی سایر آزادی‌های او نیز از دست خواهد رفت. آزادی‌های شخصی یا آزادی‌های تن نیازهای اولیه انسانی هستند و آزادی‌های فکر نیز نیازهای ثانویه به‌شمار می‌آیند. ابتدا انسان در اندیشه تأمین نیازهای اولیه خود است و اولین مرحله کمال او در ارضای درست امیال جسمانی است. چنین نیست که با بی‌توجهی به جسم و تضعیف آن بتوان به مراحل بعدی کمال دست یافت، چون در حرکت معنوی انسان مانع ایجاد می‌شود و گاهی به حذف موضوع تکامل می‌انجامد. به هر روی، امام راحل تأکید ویژه‌ای بر امنیت اشخاص داشته و آزادی‌های شخصی را محترم می‌شماردند و بر تأمین و حفاظت امنیت اشخاص توسط حکومت اسلامی به‌مثابه یک ضرورت می‌نگریستند. ایشان معتقد بودند که حکومت اسلامی وظیفه دارد تا امنیت اشخاص را در موارد زیر تأمین نماید؛ حق زندگی، آزادی در مسکن، آزادی در خوردن و آشامیدن، آزادی در رفت و آمد، امنیت شغلی، امنیت جانی (عدم توفیق یا احضار مردم، هر چند به‌مدت کم، بدون حکم قاضی)، امنیت مالی (عدم توقیف یا مصادره اموال مردم، بدون حکم حاکم شرع)، امنیت منزل و محل کار، امنیت حیثیتی

و منع توهین به مردم، رازداری و عدم افشای اسرار مردم، جبران حقوق تضییع شده مردم، حق تساوی مردم در برابر قانون، حق دفاع از خود و... (منتظر قائم، ۱۳۸۱: ۳۹-۳۷).

با این تفاسیر، امام خمینی(ره) هرگونه تعرض به زندگی خصوصی افراد را نفی می‌کند و قانون را مرجع و تعیین کننده حدود مداخله‌های دولت در حوزه خصوصی می‌داند. در همین مسیر، ایشان اعتقاد دارند که اجرای احکام اسلام در زمان حاکمیت حکومت اسلامی می‌تواند از تعرض به حریم شخصی افراد جلوگیری کند. بنابراین؛ مصونیت افراد از تعرض، آزادی آنها در انتخاب شغل، رعایت حدود اسلامی در امر به معروف و نهی از منکر، حفظ حرمت انسان‌ها توسط نیروی انتظامی، مجازات عادلانه در دادگاه‌ها و به‌طور کلی آزادی‌های فردی از موارد مهمی است که بر عهده حکومت اسلامی است و عامل اصلی تضمین امنیت شخصی، حقوق و آزادی‌های شخصی است (رنجبر، ۱۳۸۲: ۱۷۲-۱۷۰). امام(ره) حتی فراتر از این مهم گام برداشته و معتقدند که مردم در زمان بروز تخلف، به جای ترس از تهدید شدن امنیت شخصی آنها، باید از خودش بترسد و نباید نگرانی از نحوه برخورد حکومت، شهربانی و ارتش داشته باشد؛ زیرا نحوه برخورد آنها در قبال تخلف‌ها، محبت آمیز است و به هیچ نحو، امنیت اشخاص را مورد تعرض قرار نمی‌دهند؛ «هر کسی از خودش باید بترسد که مبدا تخلف کند و آلاً از سرباز مملکت عدل، از ارتش مملکت عدل، از شهربانی مملکت عدل، هیچ ترسی نیست؛ برای اینکه اینها همه با محبت با مردم رفتار می‌کنند» (صحیفه امام، جلد ۶: ۴۴۱).

### مؤلفه‌های امنیت شخصی از منظر امام خمینی(ره)

قاعداً امام خمینی(ره) بر جنبه‌های مختلف امنیت شخصی توجه داشته و در این راستا، مؤلفه‌های این بُعد از امنیت را مدنظر داشته‌اند. در ادامه به مؤلفه‌های امنیت شخصی در اندیشه امام اشاره می‌شود؛

#### ۱. حق آزادی شهروندان جامعه

ناصر کاتوزیان در کتاب مبانی حقوق عمومی بیان می‌کند؛ «انسان آزاد است و باید آزاد بماند و هیچ مانع و قید خارجی او را محدود نسازد، زیرا او قید عقل را در وجدان خود دارد؛ قیدی که سبب آزادی او از پلیدی‌ها و موانع حرکت معقول است» (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۹۲). به همین دلیل، حق آزادی پس از حق حیات در شمار دغدغه‌های خطیر انسان قرار می‌گیرند و اهمیت آن موجب شناسایی حق آزادی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر گردیده است (اسماعیل پور و باقری، ۱۳۹۳: ۷). یکی از بدیع‌ترین نظریات امام خمینی(ره) که قبل از ایشان به این صراحت و روشنی بیان نشده بود، با توجه به اینکه در متن اسلام بوده، نظریه آزادی اسلام گونه یا همان آزادی در پرتو اسلام است. این دیدگاه به صراحت سایر نظریات این حوزه را که عموماً اصالت را به آزادی و اختیار بی‌حد و مرز انسانی می‌دهند، باطل و رد می‌کند و به این ترتیب از حکومت‌های استبدادی سنتی و نوین فاصله می‌گیرد. آزادی از نظر امام خمینی(ره) باید مورد احترام باشد و حد و حدود آن رعایت گردد. از دیدگاه امام خمینی(ره)، آزادی، دموکراسی و حمایت از

اقلیت‌های مذهبی و دیگر مسائل حقوق بشری نیز از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است و به همین دلیل، وظیفه دولت اسلامی می‌دانند که از آزادی‌های مشروع مردم پاسداری نمایند، البته آزادی‌هایی که در چارچوب قانون و اسلام باشند (فدوی و تقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۷).

امام خمینی(ره) آزادی را یک «امانت الهی» (صحیفه امام، ج ۸: ۳۷) می‌داند که خداوند به بندگان تفویض کرده است و آن را «نعمتی ارزشمند» (صحیفه امام، ج ۷: ۳۹۶) معرفی می‌کنند. امام ضمن اینکه بیان می‌دارند انسان‌ها به صورت فطری عاشق حریت و آزادی هستند (امام خمینی، ۱۳۷۷: ۲۱۹)، تأکید دارند که آزادی از حقوق اولیه بشریت می‌باشد و اولین حقی است که انسان‌ها دارند (صحیفه امام، ج ۴: ۱۱۴). ایشان معتقدند که آزادی برای همه شهروندان است و مختص به گروه، نژاد و جرگه خاصی نیست بلکه همه افراد از آن باید بهره‌مند شوند و در عین حال، تحصیل آزادی در همه ابعاد آن برای مردم امکان دارد ولی تا آنجایی که مغایر آموزه‌های اسلامی و قانون نباشد (صحیفه امام، ج ۷: ۴۸۷). امام در خصوص همگانی بودن آزادی چنین می‌فرمایند:

«این آزادی که الآن برای ملت ما هست، برای زن، برای مرد، برای نویسنده‌ها، این آزادی آزادی است در کلیه اموری که این امور به نفع خود شما هست. شما آزادی بیابید بیرون مطالبتان را بگویید؛ انتقاد از دولت بکنید؛ انتقاد از هر کس که پایش را کج گذاشت بکنید. هیچ کس نیست که به شما بگوید چرا... تمام چیزهایی که در رشد انسان، در رشد خواهرها و برادرها، و این کودک‌های عزیز، دخالت دارد، اینها همه آزاد هستند» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۱۸۸).

ایشان اعتقاد دارند که دین اسلام نیز خواهان «تأمین آزادی سالم و صحیح» برای جامعه است (صحیفه امام، ج ۷: ۴۲). این آزادی معطوف به بخش خاصی نیست بلکه ابعاد متنوعی را شامل می‌شود (صحیفه امام، ج ۱۰: ۹۴). بر اساس این دیدگاه الهی و اسلامی، امام نیز اعتقاد به تأمین آزادی در ابعاد مختلف دارند و برآورده نمودن آنها را معادل امنیت‌سازی برای شهروندان می‌دانند. برخی از ابعاد آزادی در اندیشه امام خمینی(ره) عبارتند از:

#### الف. آزادی عقیده و اندیشه

به تعبیر استوارت میل، منطقه مناسب آزادی بشری در درجه اول شامل قلمرو هوشیار ضمیر اوست و در این منطقه است که وجدان انسانی به جامع‌ترین معنای آن باید آزاد باشد. آزادی افکار و عقیده یکی از ضروریات زندگی محسوب می‌گردد» (میل، ۱۳۴۹: ۴۹). بر همین اساس، آزادی عقیده و اندیشه از اساسی‌ترین بحث‌های زندگی سیاسی است (طباطبایی، ۱۳۷۰) و همه مردم علاقه دارند که آزاد زندگی نمایند و در زندگی خود حق انتخاب و ارائه آراء و اندیشه‌های خود را داشته باشند، به همین دلیل است که امام خمینی(ره) از آزادی به عنوان بالاترین نعمت‌ها یاد می‌نمایند (لک‌زایی، ۱۳۷۹: ۷۳). امام معتقدند که در حکومت اسلامی همه افراد بشر می‌توانند دارای عقیده خاص خویش باشند، البته باید توجه داشت که این آزادی منوط به این است که امنیت جامعه را سلب ننماید و منجر به خراب کاری نگردد؛ «در حکومت



اسلامی همه افراد دارای آزادی در هرگونه عقیده‌ای هستند، و لکن آزادی خرابکاری را ندارند» (صحیفه امام، ج ۴: ۴۳۶).

ایشان وجود آزادی عقیده را یکی از نشانه‌های دموکراتیک بودن دولت اسلامی می‌دانند و بیان می‌دارند از آنجایی که دولت اسلامی صاحب منطق و استدلال می‌باشد، لاجرم پاسخ عقیده‌های گوناگون را با دیالوگ و منطق می‌دهد و نه با سرکوب. در یکی از بیانات امام آمده است؛ «در جامعه‌ای که ما به فکر استقرار آن هستیم، مارکسیست‌ها در بیان مطالب خود آزاد خواهند بود؛ زیرا ما اطمینان داریم که اسلام دربردارنده پاسخ به نیازهای مردم است. ایمان و اعتقاد ما قادر است که با ایدئولوژی آنها مقابله کند. در فلسفه اسلامی از همان ابتدا مسأله کسانی مطرح شده است که وجود خدا را انکار می‌کرده‌اند. ما هیچ‌گاه آزادی آنها را سلب نکرده و به آنها لطمه وارد نیاورده‌ایم. هر کس آزاد است که اظهار عقیده کند و برای توطئه کردن آزاد نیست» (صحیفه امام، ج ۳: ۳۷۱). در همین راستا می‌توان بیان داشت که اصل آزادی عقیده و اندیشه امام خمینی (ره) با حکومت مردم سالاری یا دموکراتیک، یعنی حکومتی که به حراست و امنیت اشخاص در جامعه اهمیت می‌دهد، پیوند می‌خورد؛ زیرا آزادی اندیشه و عقیده یکی از پایه‌های اصلی دموکراسی (حکومت مردمی) محسوب می‌شود. در نظام‌های دموکراتیک، قدرت سیاسی در آزادی مردم نهفته است و حکام از طریق آراء و عقاید آزاد عمومی، نمایندگی را به دست می‌گیرند (بزرگی، ۱۳۷۹: ۸۵). با این اوصاف، حکومت مطلوب از منظر امام خمینی (ره) دارای بسترهای تعمیق آزادی عقیده است که در این میان، دولت موظف به پاسداری از آن است.

#### ب. آزادی قلم و مطبوعات

افکار و اندیشه آدمی از طریق قلم و نوشته به دیگران منتقل می‌گردد. فکر و اندیشه آزاد، ابزار انتقال آزاد را می‌طلبد. در مقابل، اگر فکر آزاد نباشد، وسیله انتقال آن نیز آزاد نخواهد بود. یکی از ابزارهای مورد انتقال آزادی بیان، قلم، راهنمایی و انتقاد است. انتقاد یا ارشاد حاکمان سیاسی از طریق قلم و مطبوعات، سبب می‌شود تا روح همبستگی و تعاون در جامعه تقویت شود و در کوتاه مدت، جامعه به سوی رشد و تکامل گام بر دارد. اما اگر ارشاد و انتقاد ناشی از قلم و مطبوعات منجر به شکسته شدن قلم‌ها شود، ملت و نظام سیاسی در ناامنی به سر خواهد برد. به همین دلیل است که در اسلام، آزادی قلم دارای قداست بخشیده و قلم و زبان را مایه سلامت و سعادت دستگاه سیاسی معرفی می‌نماید (جعفری، ۱۳۸۹: ۱۲۸-۱۲۷). امام راحل در این بعد تأکید دارند که تمامی نویسندگان و حتی مطبوعات می‌توانند آزادانه به نشر اخبار، عقاید و تحلیل‌های خود بپردازند و هیچ کسی مانع آنها نیست البته نویسندگان باید رعایت انصاف و موازین شرعی را در نظر قرار دهند و به اعتقاد ایشان، «روزنامه‌هایی که مضر به حال ملت نباشد و روزنامه‌هایی که نوشته‌شان گمراه‌کننده نباشد، آزادند» (صحیفه امام، ج ۵: ۵۲۱) و «همه مطبوعات آزادند مگر اینکه مقالات مضر به حال کشور باشد» (همان: ۴۱۶). ایشان در جایی دیگر دامنه آزادی در قلم و مطبوعات را این‌گونه ترسیم می‌کنند:

«همه آزادند در گفتن. بنویسند، بگویند، در روزنامه‌ها بنویسند» (صحیفه امام، ج ۶: ۱۵۳).

ایشان معتقدند که آزادی مطبوعات و قلم یک حق طبیعی افراد است و باید بر اساس قانون مدون نسبت به آن اقدام نمود و مطابق اصل بیست و چهارم قانون اساسی، «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد»، بیان می‌دارند که «به قانون اساسی عمل کنید؛ مطبوعات آزادند؛ قلم آزاد است؛ بگذارید بنویسند» (همان، ج ۱: ۲۹۲). با این اوصاف، آزادی مطبوعات و قلم از منظر امام(ره) ضمن اینکه می‌تواند عاملی برای ثبات اجتماعی - سیاسی و امنیت زایی در جامعه باشد، قابلیت اصلاح جامعه در محور دین و مبانی اسلامی را دارا هستند.

#### پ. آزادی اقلیت‌های مذهبی

مسئله امنیت از جمله بدیهی‌ترین حقوق درباره اقلیت‌ها می‌باشد و اگر اقلیت‌ها در جان، مال و حیثیت دارای مصونیت و امنیت نباشند، سخن گفتن از سایر حقوق آنها نیز میسر نیست. از این رو با توجه به آن چه در متون دینی آمده است، تعدی و تجاوز به شخصیت، جان، آبرو و اموال غیرمسلمانان جایز نیست. (اقتباسی از لک زایی، ۱۳۸۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۱۲۴). در همین راستا، امام آزادی را در حکومت اسلامی مرتبط با همه افراد می‌داند و فرقی بین مذاهب و اقلیت‌های مذهبی نیست و همگی از آزادی بهره‌مند هستند و اسلام برای عقیده اقلیت‌های مذهبی احترام قائل است و آنها آزاد در بیان عقیده و اندیشه خود هستند؛ «اسلام همیشه حافظ حقوق مشروع اقلیت‌های مذهبی بوده و هست. آنان در جمهوری اسلامی آزادند و آزادانه به مسائل خود می‌پردازند و در پناه حکومت اسلامی چون بقیه افراد در اظهار عقیده آزادند» (صحیفه امام، ج ۵: ۱۸۸). البته باید توجه داشت که این آزادی باید در چارچوب محدوده و موازین دین رسمی بوده و در آن حیثیت ذاتی انسان، مصالح جمعی، حقوق اجتماعی و مصالح نظام سیاسی و اجتماعی مبتنی بر دین لحاظ شود (معمار، ۱۳۸۶: ۱۰۸؛ گلشنی و باقری، ۱۳۹۳: ۲۴۶).

براساس اندیشه‌های امام خمینی(ره)، آزادی اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی وسعت زیادی دارد و حکومت باید رفتار مسالمت‌آمیز و برابری با آنها داشته باشد؛ «اسلام نسبت به اقلیت‌های مذهبی احترام قائل است و آنها در این مملکت ما آزادند و حتی حق رأی دارند، حق تعیین وکیل دارند... اسلام همیشه با آنها به‌طور مسالمت رفتار کرده است» (صحیفه امام، ج ۵: ۴۳۲). از نظر ایشان، اقلیت‌های مذهبی در حکومت اسلامی، آزادی انجام فرائض مذهبی را هم دارند و می‌توانند به‌طور آزادانه به اعمال مذهبی خود بپردازند. البته باید توجه داشته باشند که نباید از آزادی خویش بهره‌برداری سوء نمایند و دست به خرابکاری بزنند (فدوی و تقی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۴). بنابراین، اقلیت‌های مذهبی در چارچوب قانون و تا زمانی که به حکومت اسلامی آسیب نرسانند، دارای آزادی هستند و می‌توانند فعالیت آزادانه داشته باشند و امام نیز در این خصوص بارها به مسئولان سفارش داده‌اند که امنیت حریم اقلیت‌ها حفظ شود.

#### ت. آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی

امام(ره) تأکید دارند که همه گروه‌ها و جریان‌های سیاسی در بیان عقاید خود آزاد می‌باشند (صحیفه امام، ج ۴: ۱۶۰). اسلام حد و مرز این آزادی فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی را مشخص کرده است (اسحاقی، ۱۳۸۴). در صورتی که مطالب مردم را به خطر نیاندازند، مجاز به فعالیت هستند و آزادانه می‌توانند به

اقدامات ترسیم شده خویش بپردازند (صحیفه امام، ج ۴: ۲۶۶). ایشان در این خصوص می‌فرمایند: «بعضی احزابی که انحرافی هستند و ما آنها را جزء مسلمین هم حساب نمی‌کنیم، مع ذلک، چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت‌های سیاسی دارند، هم آزادند و هم نشریه دارند به‌طور آزاد. پس بدانید که این طور نیست که ما با احزاب دیگری، با گروه‌های دیگری، دشمنی داشته باشیم. ما البته میل داریم که همه گروه‌ها و همه احزاب به اسلام برگردند و راه مستقیم اسلام را پیش بگیرند و همه مسلم بشوند. بر فرض اینکه نشدند، مادامی که آنها با ما جنگی ندارند و با کشور اسلامی جنگی ندارند و در مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده‌اند، به‌طور آزاد دارند عمل می‌کنند و به‌طور آزاد حرف‌های خودشان را دارند می‌زنند» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۳۴۳).

با این اوصاف، در اندیشه امام خمینی(ره) درباره آزادی احزاب، گروه‌های سیاسی و تشکیل گروه‌های سیاسی، چارچوب خاصی وجود دارد (اکبری مالستانی، ۱۳۸۹: ۲۵-۲۱). این چارچوب همان «رعایت اصول اسلام و مصالح مردم» می‌باشد (بزرگی، ۱۳۷۹: ۱۰۰). به عبارتی، تشکلهای سیاسی و احزاب باید توجه نمایند که در حکومت اسلامی باید تلاش نمایند تا از اسلام عدول نمایند و همواره در مسیر تحقق مصالح اجتماع گام بردارند. اگر چنین عملکردی در احزاب سیاسی و اجتماعات وجود داشت، آنها حق فعالیت آزادانه خواهند داشت.

#### ث. آزادی زنان

امام(ره) در بحث آزادی‌ها در مورد زنان، بیان می‌دارند که در حکومت اسلامی زنان از آزادی کامل برخوردار بوده و حقوق آنها مثل مردان در جامعه می‌باشد. از دیدگاه ایشان اولاً؛ از نظر حقوق انسانی، تفاوتی بین زن و مرد نیست، چرا که هر دو انسان می‌باشند. ثانیاً؛ از آنجا که عنایت اسلام نسبت به زن بیشتر از مرد است، زنان حقوق گسترده‌ای دارند. حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، حق انتخاب کردن و حق انتخاب شدن از جمله حقوق مسلمی است که برای زنان ثابت است. ثالثاً؛ آزادی زن تنها در جایی محدود می‌گردد که مفسده در جامعه گسترش یابد (فدوی و تقی زاده، ۱۳۹۱: ۴۵). بنابراین، امام راحل به آزادی زنان در تمامی زمینه‌ها اعتقاد داشته و تأکید داشته‌اند که زنان همانند مردان از آزادی برخوردار هستند و این آزادی و برابری از زمینه‌های تحصیلی گرفته تا فعالیت‌های حقوقی و سیاسی را شامل می‌شود. امام در حیطه آزادی زنان به «آزادی واقعی» (صحیفه امام، ج ۵: ۴۷۰) اشاره می‌کنند و زن‌ها را هم ردیف مردان در حکومت اسلامی می‌دانند و از نگاه جنسیتی دوری می‌جویند و آن را برای همگان می‌دانند؛

«زنها در حکومت اسلامی آزادند؛ حقوق آنها مثل حقوق مردها. اسلام زن را از قید اسارت مردها بیرون آورد و آنها را هم‌ردیف مردها قرار داده است. تبلیغاتی که علیه ما می‌شود برای انحراف مردم است. اسلام همه حقوق و امور بشر را تضمین کرده است... آزادی نه برای مرد است و نه برای زن؛ در اسلام برای همه هست» (صحیفه امام، ج ۵: ۷۰).

ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «زنان در جامعه اسلامی آزادند و از رفتن آنان به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود» (صحیفه امام، ج ۵: ۱۸۳). ایشان تأکید دارند که آزادی زن در جامعه نیز در جهت بالندگی و رشد اجتماعی و سیاسی وی با تأکید بر حفظ ارزش‌های اسلامی و اخلاقی است و این محیط است که زنان را عناصر فعال و و مترقی و رشد یابنده کرده است. به همین دلیل، ایشان مخالف ملعبه‌شدن و استثمار زن تحت لوای آزادی هستند (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۳۶)؛ و معتقد هستند که آزادی زن یک حق طبیعی است که باید در مسیر رشد و تعالی او قرار گیرد و به تبع آزادی زن در اجتماع، پویایی جامعه اسلامی افزایش می‌باید و امنیت اشخاص صیانت می‌گردد.

### ج. آزادی منصب و شغل

آزادی در انتخاب شغل، منصب و پیشه برای گذران زندگی و تدبیر معاش یکی از حقوق اولیه در آموزه‌های اسلامی و حکومت اسلامی است (الهامی، ۱۳۵۹: ۴۲-۳۸). و امام نیز به این قاعده اعتقاد داشته و تأکید داشتند که افراد باید آزاده به گزینش و تحصیل شغل خود برآیند و هر کس براساس اخلاق باطنی و سلاقی خویش، شغلی را برای خویش برمی‌گزیند؛ «انسان در انتخاب شغل‌ها و سایر انواع انتخابات آزاد است. آزاد خلق شده است. در اسلام آزادی به او اعطا شده است. لکن خود انسان‌ها در انتخاب شغل، مختلف هستند و این اختلاف تابع آن اختلاف نفسانی خودشان و اخلاق باطنی خودشان است... این انتخابات، یک انتخاب آزادی است که تابع آن نفسیت اشخاص است» (صحیفه امام، ج ۱۲: ۲۸۵).

## ۲. امنیت زندگی خصوصی و حریم شخصی

یکی از مباحث مهم در اندیشه امام و ایده حکومت اسلامی، عدم تعرض به حقوق فردی اشخاص است و افراد و شهروندان جامعه از دیدگاه امام خمینی(ره) باید در زمینه حقوق فردی خویش آزاد باشند و کسی حق ندارد در زمینه‌های شخصی زندگی به شهروندان جامعه امر و نهی نماید و افراد آزادانه باید بتوانند؛ عقیده شخصی، شغل، محل سکونت و حتی انتخاب شخصی خویش را داشته باشد و از هرگونه تعرض به دور باشند؛ «مردم عقیده‌شان آزاد است. کسی الزامش نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. کسی الزام به شما نمی‌کند که حتماً باید این راه را بروید. کسی الزام به شما نمی‌کند که باید این را انتخاب کنی. کسی الزامات نمی‌کند که در کجا مسکن داشته باشی، یا در آنجا چه شغلی را انتخاب کنی» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۹۴). ایشان در جایی دیگر، حکومت مطلوب خود را حکومتی توصیف می‌کنند که مردم نسبت به آن اطمینان داشته باشند که به آنها و حقوقشان تعرض نمی‌کند؛ «پس آنکه ما می‌خواهیم، یک حکومت عادل و یک رژیم عادل و یک هیأت حاکمه عادل که مورد اطمینان جامعه باشد و برای جامعه خدمت کند، و دستش به مال جامعه دراز نباشد، دستش به صندوق دولت خیانت نکند» (صحیفه امام، ج ۴: ۴۰). به هر روی، حریم شخصی و زندگی خصوصی افراد از منظر امام(ره) در حوزه مسکن، محل کار، مکاتبات شخصی و اموال فردی باید رعایت گردد که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت؛

### الف. مسکن و محل سکونت

در اجتماعات بشری نیز خانه و منزل اشخاص محترم و مصون از تعرض بوده است و حق آزادی مسکن و لزوم رعایت حرمت آن جنبه مذهبی داشت بعداً مقررات عرفی هم در عمل بر آن صحه گذاشت. انقلاب کبیر فرانسه و اصول و قوانین متأثر از آن این آزادی را به صورت دیگر تضمین و تجاوز به آن را جرم دانست (پاد، ۱۳۸۵: ۲۲۹). در ذیل یکی از مؤلفه‌های حقوق ملت در قانون اساسی جمهوری افراد آمده است که افراد باید از تعرض به مسکن به دور باشند (اصل بیست و دوم قانون اساسی). از این رو، افراد باید در حوزه مسکن و خانه خویش از امنیت برخوردار باشند و کسی حق تفرص و تجاوز به حریم منزل افراد را ندارد و امام تا آنجا پیش رفته‌اند که در صورت تجاوز افراد به خانه، مقابله با متجاوز را جایز دانسته‌اند؛ «اسلام انسان را آزاد خلق کرده است و انسان را مسلط بر خودش و بر مالش و بر جانش و بر نوامیش خلق فرموده است. امر فرموده است، مسلط است انسان؛ آزاد است انسان؛ هر انسانی در مسکن آزاد است؛ در مشروب و ماکول - آنچه خلاف قوانین الهیه نباشد - آزاد است؛ در مشی آزاد است. حکم اسلام است که اگر کسی حمله برد به منزل کسی، برای آن کسی که مورد حمله واقع شده است جایز است کشتن او. اسلام این قدر با آزادی‌ها موافق است» (صحیفه امام، ج ۱: ۲۸۷-۲۸۶).

امام(ره) حتی معتقدند که در صورت گمان بردن به وجود فساد در خانه‌ای، کسی حق ورود به خانه را ندارد؛ «نباید از خانه‌های مردم، مردم عادی و لو توپش - فرض کنید - فساد دارد واقع می‌شود فسادی شخصی، برای شخص، زندگی‌های شخصی، معصیت شخصی، واقع می‌شود حق ندارد کسی وارد خانه‌اش بشود. بیرون که آمد نهی از منکرش هم روی موازین شرعی، نهی از منکرش کنند. به این بهانه هم به خانه مردم نروند، تفتیش از حال مردم نکنند، تفتیش از حال، فرض کنید که مسلمان‌هایی که توی خانه‌هایشان یک کاری می‌کنند از ش بپرسند که تو آنجا چه می‌کردی؟ نه، این حق ندارد» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۲۶۸).

یکی از دلایلی که در اعلامیه‌های جهانی و قوانین دولت‌ها، برخورداری از مسکن به عنوان یکی از حقوق اساسی مردم به شمار آمده، این است که مسکن هر فرد محل استراحت و سکونت شخص محسوب می‌شود و رسیدن به آرامش روحی و جسمی در پرتو دارا بودن مسکن، یکی از نیازهای همه‌ی جوامع بشری است. با توجه به تأکیدی که این اعلامیه‌ها در به رسمیت شناختن این حق ابراز نموده‌اند، این مطلب به دست می‌آید که علی‌القاعده مسکن شخص باید از تعرض و آسیب مصونیت داشته باشد تا فرد بتواند به آرامش مورد نظرش دست یابد و هیچ فرد یا مأموری نمی‌تواند بدون اجازه‌ی شخص و یا بدون مجوز قانونی به مسکن وی وارد شده و آن را مورد بازرسی قرار دهد (عصاره، ۱۳۹۲: ۱). چنین بینش و نگرشی نسبت به رعایت حریم اشخاص در منازل و محل خصوصی زندگی آنها در اندیشه امام خمینی(ره) وجود دارد و اصلی برآمده از اسلام و آموزه‌های دینی است. زیرا خداوند کریم در آیه ۲۷ سوره مبارک نور، چنین می‌فرماید؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در

خانه‌هایی غیر از خانه خود وارد نشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید<sup>۱</sup>. امام (ره) با استعانت از چنین فرامینی، برای خانه و محل آرامش افراد شأن زیادی قائل هستند و دخل و تصرف در آن را جایز نمی‌دانند و در عین حال، بر پاسداشت و حفظ آنها از گزند حوادث و ناامنی‌ها تأکید می‌ورزند. ایشان می‌فرمایند:

«نباید ما تعدی بکنیم و ظلم بکنیم و تفتیش از داخل خانه‌های مردم بکنیم... نباید با مردم طوری کرد که مردم در خانه‌هایشان مطمئن نباشند» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۶).

#### ب. محل کار

از منظر امام خمینی (ره) افراد باید در محل کسب و کار خویش از امنیت برخوردار باشند و از هرگونه تعدی به دور باشند؛ «نباید با مردم طوری کرد که مردم... در تجارتشان، در کسبشان مطمئن نباشند. دولت اسلامی باید مردم را مطمئن کنند در همه چیز. در سرمایه‌هایشان، در کسبشان، در کارخانه‌هایشان، در همه چیز، مردم در آرامش باشند و دولت ابداً نمی‌تواند که تأذی<sup>۲</sup> بکند به آنها و نباید تأذی بکند. و اگر یک کسی تأذی کرد آن تأذیب خواهد شد» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۶) ایشان در فرمان هشت ماده‌ای نیز بر عدم تعدی به محل کار و کسب افراد اشاره داشته‌اند و خطوط قرمز را مشخص می‌نمایند و در عین حال، اذن صاحب مغازه و محل کسب را برای تفتیش و ورود لازم و ضروری می‌دانند و به بهانه کشف جرم، کسی نباید در محل کسب اشخاص تجسس نماید؛ «هیچ کس حق ندارد به خانه یا مغازه و یا محل کار شخصی کسی بدون اذن صاحب آنها وارد شود یا کسی را جلب کند، یا به نام کشف جرم یا ارتکاب گناه تعقیب و مراقبت نماید» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۴۰).

محل کسب و کار افراد از دیدگاه امام خمینی (ره) همانند زندگی خصوصی افراد باید امن باشد و کسی بدون اجازه حق تعدی و تفتیش در آن را نخواهد داشت و از منظر امام، مخالف شرع و قانون در حکومت اسلامی خواهد بود و امنیت اشخاص در خطر می‌افتد.

#### پ. اموال شخصی

همان‌گونه که محل سکونت و جایگاه کسب و کار نباید مورد تفتیش و تعدی قرار گیرد، اموال و دارایی‌های اشخاص باید توسط حکومت صیانت گردد و افراد نسب به دارایی‌های خویش اطمینان خاطر داشته باشند؛ «هیچ کس حق ندارد در مال کسی چه منقول و چه غیرمنقول، و در مورد حق کسی دخل و تصرف کند یا توقیف و مصادره نماید مگر به حکم حاکم شرع، آن هم پس از بررسی دقیق و ثبوت حکم از نظر شرعی» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۴۰).

امام خمینی (ره) خواهان دست‌یابی به حکومتی بودند که حافظ اموال مردم باشد و نخواهد با تعدی به اموال مردم به خواسته‌هایش برسد؛ «می‌توانیم که یک حکومتی که دزد نباشد پیدا کنیم. یک حکومتی که مال مردم را این قدر نخورد، این قدر نچاپد؛ این قدر ندهد به مردم بیگانه. ما دنبال این هستیم که حالا

۱. یا ایها الذین آمنوا لا تدخلوا بیوتنا غیر بیوتکم حتی تستأنسوا وتسلموا علی أهلها... (نور/۲۷)

۲. به معنای اذیت شدن، آزار دیدن و آزرده شدن.

یک حکومتی پیدا کنیم که این طور نباشد که اموال مسلمین را خرج خودش و عائله‌اش بکند» (صحیفه امام، ج ۵: ۲۷).

### ت. مکاتبات

امام راحل به ابعاد حقوق شهروندی و تمینیت حوزه شخصی آگاهی کاملی داشتند و به جزئی‌ترین موارد اشاره داشته‌اند و از آن جمله می‌توان به آزادی اشخاص در مکاتبات خود اشاره داشت؛ مبنی بر اینکه افراد حق شنود مکالمات، ضبط کردن صدا و شنود تلفن اشخاص را ندارند؛ «هیچ کس حق ندارد... به تلفن یا نوار ضبط صوت دیگری به نام کشف جرم یا کشف مرکز گناه گوش کند، و یا برای کشف گناه و جرم هر چند گناه بزرگ باشد، شنود بگذارد و یا دنبال اسرار مردم باشد، و تجسس از گناهان غیر نماید یا اسراری که از غیر به او رسیده ولو برای یک نفر فاش کند. تمام اینها جرم و گناه است» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۴۰).

کنترل مکاتبات و شنود تلفن اشخاص و شهروندان از منظر امام(ره) علاوه بر اینکه جرم محسوب می‌شود بر اساس بینش اسلامی، گناه می‌باشد. بنابراین، حکومت اسلامی باید ممانعت از شنود و ضبط مکاتبات عمومی مردم نماید و حریم شخصی آنها را حفظ کند.

### ۳. رعایت کرامت و شأن انسانی

برخورداری عادلانه و منصفانه تمامی اعضاء جامعه از مزایا، منافع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی فارغ از تعلق طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی یکی از ویژگی‌های اساسی افراد و شهروندان در جوامع دموکراتیک می‌باشد. از دیدگاه «تامس مارشال»<sup>۱</sup> اشخاص در جامعه دارای جایگاهی اجتماعی هستند که در رابطه با دولت از حقوق سه‌گانه مدنی، سیاسی و اجتماعی برخوردار هستند و این منزلت به وسیله قانون به آنها اعطا می‌شود. در عین حال، اشخاص به اعتبار جایگاهشان در اجتماع یا واحد سیاسی، باید از شأن و کرامت مناسبی برخوردار باشند (محسنی، ۱۳۸۹: ۱۲۰-۱۱۹). امام خمینی(ره) به کرامت انسانی و حفظ کرامت والای انسان‌ها اعتقاد داشتند و با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی، بر پاسداشت شأن و حرمت انسانی در بیانات، پیام‌ها و فرمان‌های خویش تأکید داشتند (اسماعیل زاده، ۱۳۹۲: ۱۳۹) و اعتقاد داشتند؛ «شکم و نان و آب میزان نیست، عمده شرافت انسانی است» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۱۳۲). در عین حال، امام(ره) معتقد هستند که دستگاه قضایی کشور هم باید در جهت تأمین شرافت و کرامت انسان‌ها کوشا باشد؛ «بر دستگاه‌های قضایی است که از متعديان به جان و شرف و مال بندگان خدا دفاع کنند و آنان را به سزای خود بنشانند» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۲۲۱).

رویکرد به حقوق انسان‌ها چه از منظر اثبات‌گرایی و چه از منظر حقوق طبیعی، اجتناب از رجوع به کرامت انسانی غیرممکن است. کرامت انسانی یا حیثیت ذاتی انسان‌ها که در اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان مبنای اصلی برای تدوین حقوق بشر مورد نظر بوده، عبارت است از دقت داشتن انسان از آن

حیث که انسان است و از این حیث، انسان نیز عزیز و شریف است و صرف نظر از ویژگی‌های ذاتی‌اش نظیر نژاد، رنگ، ملیت، زبان، دین، جغرافیا و... درای شأن و کرامت است (پورحسن و فلاحی، ۱۳۹۲: ۱۲۸ و بسته نگار، ۱۳۸۰: ۳۲۶). و بر این اساس، هرگونه تبعیض و ستم به دلیل اوصاف ذاتی انسان، امنیت شخصی او را از بین خواهد برد و ناامنی را برای شهروندان به ارمغان خواهد آورد. امام خمینی(ره) نیز به این مسئله توجه داشتند و هیچ فرقی بین انسان‌ها از حیث نژاد، رنگ و قومیت و... برای ایشان وجود نداشت و معتقد به برابری و رعایت شأن همه انسان‌ها بودند و در این زمینه می‌فرمودند: «اسلام بزرگ تمام تبعیض‌ها را محکوم نموده و برای هیچ گروهی ویژگی خاصی قرار نداده؛ تقوا و تعهد به اسلام، تنها کرامت انسانهاست. و در پناه اسلام و جمهوری اسلامی، حق اداره امور داخلی و محلی و رفع هرگونه تبعیض فرهنگی و اقتصادی و سیاسی متعلق به تمام قشرهای ملت است... که دولت جمهوری اسلامی موظف و متعهد به تأمین آن در اسرع وقت می‌باشد» (صحیفه امام، ج ۱۱: ۵۶). ایشان در جایی دیگر با تعصبی از آموزه‌های اسلامی بیان می‌دارند که نژاد و قومیت ملاک شرافت، کرامت و شأن انسانی نیست بلکه همگی با هم برابر هستند و تقوا ملاک نهایی محسوب می‌شود؛ «اسلام با صراحت می‌گوید که آنی که پیش خدا کرامت دارد، آدم متقی است. آدمی است که روشش صحیح باشد؛ تقوا داشته باشد، فاسد نباشد؛ مُفسد نباشد. نسبت به همه عرب و عجم و کرد و ترک و اینها به‌طور علی السواء بهمه نظر دارد. همان طور که خدای تبارک و تعالی در ایجاد یک طایفه با طایفه دیگری فرق نگذاشته» (صحیفه امام، ج ۱۰: ۲۹۱) از منظر امام(ره) انسان‌ها با یکدیگر برادر و برابر هستند و همگان باید دارای شأن و کرامت یکسانی باشند (صحیفه امام، ج ۹: ۴۹).

#### ۴. امنیت آبرویی

امنیت عرضی و آبرویی به این موضوع اشاره دارد که باید آبروی مردم در امان باشد و کسی حق ندارد هر چیزی درباره اشخاص بگوید، زیرا عملی مخالف شرع و آموزه‌های اسلام است (قرائتی، ۱۳۹۲: ۱). از آنجایی که حیثیت و آبروی انسان احترام دارد؛ آبروی مردم از اموال آنان مهمتر است، پس حتماً مردم، مالک آبروی خود هستند و کسی حق ندارد به آنها تعرض نماید. دلیل کردن و تحقیر دیگران، تضییع حقوق روحی و معنوی آنان محسوب می‌گردد و ناشی از کبر و خودخواهی است. در جامعه اسلامی، همه مردم باید از جهت روحی و معنوی امنیت داشته باشند و در روایات متعدد، مؤمنان از تحقیر و اهانت به افراد و اشخاص دیگر برحذر داشته شده‌اند (منتظر قائم، ۱۳۸۵: ۵۸). به همین دلیل است که امام خمینی(ره) افشای اسرار و عیوب مؤمنین را فعلی حرام می‌داند (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۳۰۲). زیرا چنین عملی زمینه‌های تخریب چهره، حیثیت و آبروی اشخاص را دارد. امام معتقدند که خداوند متعال بر این مورد تأکید زیادی مبنی بر عدم تعرض و تخریب آبرو و عرض مردم داشته‌اند؛

۱. از پیامبر گرامی(ص) نقل شده که فرمود: «ان اعراضکم علیکم حرام کجرمه یومکم هذا فی شهرکم هذا فی بلدکم هذا»؛ آبروی شما بر شما حرمت دارد؛ همان گونه که عید قربان در ماه ذی‌الحجه و در سرزمین مکه حرمت دارد.



«عرض مردم، حیثیت مردم از اموری است که خدای تبارک و تعالی درباره او بسیار تأکید کرده است، و اسلام درباره او بسیار پافشاری کرده است» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۲۳۹).

امام به مسئولین و نمایندگان مردم تأکید داشتند که تا حد امکان مشکلات اشخاص را قبل از علنی شدن بررسی نمایند تا از تخریب آبرو و حیثیت فرد جلوگیری شود (صحیفه امام، ج ۱۸: ۴۶۶). ایشان با تکیه بر روایات، ریختن آبرو و حیثیت مومنین را از عمل ربا بدتر می‌دانند و در نقطه مقابل، برای کسانی که آبروی مؤمنین را حفظ می‌کنند، ثواب زیادی در نظر می‌گیرند (امام خمینی، ۱۳۷۶: ۳۰۸).

##### ۵. ممنوعیت شکنجه و بدرفتاری با مجرمان و گناهکاران

زندانیان، مجرمان و گناهکاران از جمله گروه‌های در معرض خطر نقض حقوق بشری در سطح جامعه بین‌المللی هستند که به لحاظ شرایطی که در آن به سر می‌برند، امکان نادیده گرفتن آنها و تعرض به حقوق و آزادی‌های اساسی‌شان بیش از دیگر گروه‌های انسانی بوده و غالباً شرایط منصفانه‌ای برای احقاق حقوق آنها وجود ندارد و به‌طور خاص تحت انواع و اقسام رفتارهای غیرانسانی، تحقیر آمیز، ظالمانه و حتی گاهی شکنجه قرار می‌گیرند. به همین دلیل، ماده یک اعلامیه اصول اساسی رفتار با زندانیان مهم‌ترین اصل اساسی در رفتار با تمامی انسان‌ها، به‌ویژه زندانیان را مطرح نموده است: «باید با تمامی زندانیان با احترام به کرامت ذاتی و ارزش آنها به‌عنوان افراد انسانی، رفتار گردد» (ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۱). امام خمینی (ره) شکنجه، بدرفتاری و عذاب دادن گناهکاران و مجرمان را امری می‌دانستند که هیچ سودی برای حاکم واقعی جامعه اسلامی ندارد (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۳۸۰). و با شکنجه نمی‌توان به اهداف دست یافت (صحیفه امام، ج ۷: ۴۹۸). ایشان تأکید داشتند که با مجرمین و خطاکاران باید با انصاف برخورد کرد و از هرگونه آزار و اذیت آنها پرهیز نمود و فقط باید شرایط محاکمه را مجازات فراهم نمود؛ «من اعلام کردم این را، اعلامیه داده‌ام، که حبسی را در حکومت اسلامی - و لو هر چه مجرم باشد - حبسی را حق ندارند به اینکه گرسنگی بدهند، حق ندارند به اینکه یک سیلی به او بزنند، حق ندارند به اینکه او را شکنجه بکنند، حق ندارند که یک کلمه درشت به او بگویند. آن قدری که حقش این است که محاکمه‌اش بکنند، هر طور جرمی که دارد به آن جرم مجازات بکنند، جزا به او بدهند؛ بیشتر از این نه، زاید بر این نه» (صحیفه امام، ج ۷: ۳۱۱). در عین حال، ایشان تأکید داشتند که باید با زندانیان با آرامش و احترام عمل کرد و از خشونت و آزار آنها پرهیز کرد و رفاه حداقلی آنها را تا زمان مجازات فراهم نمود؛ «از اموری که هر چه بیشتر باید به آن توجه شود رفاه حال زندانیان است. چه گروه‌هایی که بر ضد جمهوری اسلامی قیام مسلحانه نموده و مردم بی‌گناه کوچه و بازار را به خاک و خون کشیده‌اند؛ و چه کسانی که با فروش و توزیع مواد مخدره فرزندان کشور را به فساد کشانده‌اند؛ و چه سایر گناهکاران. اینان اکنون اسیران شما هستند، و به دست خود به اسارت کشیده شده‌اند. با اسرای خود، چه اینان و چه اسرای جنگی، رؤف و مهربان باشید و برادرانه رفتار کنید؛ و زندان‌ها را به یک مدرسه آموزش و تربیت اخلاقی مبدل کنید» (صحیفه امام، ج ۱۸: ۳۴۴-۳۴۳).

امام(ره) تأکید داشتند که مسئولین دادگاه و مسئولین زندان باید رعایت حال مجرمین را نمایند و با آرامش و رفتار اسلامی - انسانی با آنها برخورد گردد و از هر گونه خشونت غیراسلامی پرهیز شود (صحیفه امام، ج ۱۵: ۱). و نباید تعدی بیشتر از جزای محکومان صورت گیرد و به عنوان مثال، شکنجه و توهین نسبت به گناهکاران روا داشته شود؛ «رفتارها حتی با کسانی که قاتل شناخته شدند، رفتار اسلامی باشد و لو اینکه با شدت عمل و شدت دید آنها را به جزای خودشان برسانند، اما فقط همان رساندن به جزا باشد و تعدی زیادتر نشود» (صحیفه امام، ج ۱۵، ۱۴۹).

### ۶. حق تعیین سرنوشت

حق تعیین سرنوشت از جمله حقوق و آزادی‌های اساسی انسانی به‌شمار می‌رود که بر اساس آن همه افراد و دولت‌ها می‌توانند امور خویش را در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اداره و راهبری کنند (میراحمدی، ۱۳۷۸). حق تعیین سرنوشت دارای دو جنبه است؛ جنبه بیرونی به معنی حق مردم در تعیین وضعیت بین‌المللی خود و جنبه درونی به معنی حق مردم در انتخابات سیستم حکومتی، مشارکت در تصمیم‌گیری جامعه و حفظ حقوق اقلیت‌ها. از دیدگاه اسلام خداوند انسان را به‌گونه‌ای آفریده است که انتخاب مسیر صحیح زندگی و تعیین سرنوشت او در زمینه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و عقیدتی با خود اوست. در قرآن آمده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقِيَهُ حَتَّىٰ يَخْتَارَ مَا بَانَفْسِهِمْ» (سوره مبارکه رعد/۱۱) یعنی خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر این که خودشان آن را تغییر دهند. چنین حقی از جایگاه رفیعی برخوردار است و در منشور سازمان ملل متحد و سایر اعلامیه‌ها، به‌عنوان یک اصل آمره حقوق بین‌الملل مطرح می‌گردد (آقمشهدی و شیرانی، ۱۳۹۲: ۱۰۰-۹۹). در همین راستا، امام راحل یکی از حقوق اولیه هر ملتی را «حق تعیین سرنوشت آن ملت به دست خود آنها» دانسته و در موارد متعددی به این نکته تأکید می‌نماید که هر ملتی حق دارد خودش سرنوشت خودش را خودش تعیین کند (خالقی، ۱۳۸۵: ۸۸). امام در این خصوص می‌فرمایند: «همه مسئول می‌شویم برای این ملت. و این ملت - هر ملتی - حق دارد خودش تعیین کند سرنوشت خودش را. این از حقوق بشر است که در اعلامیه حقوق بشر هم هست. هر کسی، هر ملتی خودش باید تعیین سرنوشت خودش را بکند، دیگران نباید بکنند. این ملت ما هم الآن همه ایستاده‌اند و می‌خواهند سرنوشت خودشان را تعیین کنند» (صحیفه امام، ج ۳: ۵۰۳).

امام در وصیت‌نامه خویش تأکید دارند که تعیین سرنوشت باید در اختیار مردم باشد و دولت موظف است که از هرگونه دخالت و کارشکنی در تصمیم مردم برای ساختن سرنوشت کشورشان جلوگیری کنند؛ خواه بسترهای داخلی باشد، خواه عوامل خارجی نظیر دخالت بیگانگان (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۴۷-۴۳). امام نیز تأکید دارند که حق تعیین سرنوشت درکنار آزادی‌های شخصی، از اولین حقوق اولیه برای بشریت است؛ «آزادند مردم؛ اول چیزی که برای انسان هست... آزادی در تعیین سرنوشت خودش است» (صحیفه امام، ج ۵: ۲۴۳)؛ و «از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد» (همان، ج ۴: ۳۶۷).

از منظر امام خمینی(ره) حق تعیین سرنوشت مقوله ای فرا قومیتی و فرا جنسی است و همه شهروندان باید در سرنوشت خویش مشارکت نمایند و کسی حق ندارد آنها را از این حق طبیعی‌شان دور نماید. با این اوصاف، تمامی مردان و زنان، گروه‌ها، نژاد، قومیت‌ها و اقلیت‌های دینی می‌تواند در تعیین سرنوشت خوش مداخله نمایند و حق انتخاب، کنش اجتماعی، فعالیت سیاسی قانونی و تغییر شرایط موجود را دارند.

## ۷. امنیت قضایی

امنیت در زمینه قضا، به‌عنوان یکی از مهمترین ابعاد حاکمیت دارای اهمیت است. حاکمیت زمانی می‌تواند در جامعه امنیت قضایی را برقرار کند که از یک سو، متجاوزان را از تجاوز باز دارد و دادخواهی ستم دیدگان را بشنود و با اقتدار به آن رسیدگی نموده، احقاق حق کند و از سوی دیگر، در جریان احقاق حق و دادخواهی، موجبات تعرض به حقوق مورد احترام اشخاص را فراهم نکند زیرا موجبات ناامنی قضایی را فراهم می‌آورد (علیدوستی، ۱۳۹۰: ۱۳۵). امام خمینی(ره) امنیت قضایی را آنقدر مهم می‌داند که یکی از دلیل‌های تأسیس حکومت را برپایی احکام جزایی و احقاق حقوق مدنی و سیاسی مردم می‌داند. در عین حال، ایشان قضاوت را امری مهم می‌داند که جان و مال و ناموس مردم با آن مرتبط است و به همین خاطر، مردم باید از امنیت قضایی برخوردار باشند. از این رو، امام راحل، قوه قضائیه را توصیه به رعایت امنیت قضائی می‌نماید: «قوه قضائیه باید توجه بکند که سر و کارش با جان و مال مردم است، نوامیس مردم، سر و کار این با آنهاست و باید افراد صالح در آنجا باشند، سالم باشند و توجه بکنند که خطای قاضی بزرگ است، عمدش مصیبت‌بار است، خطایش هم بزرگ است، باید خیلی در این معنا توجه کنند» (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۷۹).

امام راحل، عدالت را تضمین کننده امنیت قضایی می‌داند و قوه قضائیه را به رعایت عدالت در این راستا سفارش می‌کنند؛ «چنانچه لازم است اشراف بر کیفیت اعمال قضات محترم تا حد امکان داشته باشند و اگر خلافی اشتباهاً شده باشد جبران نمایند و اگر احیاناً خدای نخواست به‌طور عمد بوده، با قاطعیت و شدت عمل با آنان رفتار نمایند و نگذارند اشخاص نفوذی غیرمتعهد این دستگاه مقدس اسلامی را آلوده نمایند. و درباره زندانیان عنایت خاص داشته باشند که نه از مستحق حدود و تعزیرات شرعیه از مجازات الهیه بدون مجوز شرعیه صرف نظر کنند و نه خدای نخواست غیر مستحق مظلوم واقع شود. نه ساده‌اندیشی کنند که منحرفین و مفسدین رها شده و به فساد خود ادامه دهند و نه کسانی که چنین نیستند حتی یک روز دربند باشند. قاضی پس از شرایط معتبره شرعیه باید در اجرای موازین قضایی سخت و صلب باشد. نه تحت تأثیر عواطف و جوسازی‌های بی‌مورد واقع شود و از اجرای احکام خدا سر پیچد و نه با جوسازی‌های منحرفان و انتقامجویان، بر خلاف موازین الهی از رحمت بر بندگان خدا دریغ کند که هر دو طرف افراط و تفریط بر خلاف عدل الهی است و آقایان شورای قضایی و قضات محترم در سراسر کشور باید احراز کرده باشند که در هر صورت از تبلیغات باطل و تهمت‌ها و افتراها در امان نیستند. بنابراین، اعتنا به این امور و خدای نخواست خروج از اعتدال و عدالت الهی و صراط مستقیم انحراف است

و اجتناب از آن، وظیفه الهی است» (صحیفه امام، ج ۱۹: ۱۵). با توجه به بیانات امام خمینی(ره) می‌توان بیان داشت که فراهم کردن امنیت قضایی، یکی از مهمترین اهداف حکومت است. در حکومت‌های دینی مانند جمهوری اسلامی ایران، این مهم جایگاه ویژه‌ای دارد و مراد از امنیت قضایی در حکومت اسلامی، برقراری احساس آرامش در عرصه قضایی برای مردم است، به گونه‌ای که پناگاهان از قدرت برنده دستگاه قضایی در امان باشند، مجرمین و خاطیان از تعرض به حقوق خصوصی افراد و حقوق عمومی جامعه، بهراسند و در نهایت، هر کس به‌عنوان متهم و شاکی یا خواهان و خوانده، در روند دادرسی قرار گیرد، انتظار نظام قضایی عادلانه داشته باشد. چنین روندی، امنیت شخصی در جامعه را ارتقاء می‌بخشد.

امام خمینی(ره) با بهره‌گیری از مبانی اندیشه قضاوت اسلامی، در خصوص برقراری امنیت قضایی راهکار عملی داشتند و در اجرای این راهکارها، به دقایق و ظرایف موضوع توجه نمودند. برخی از راهکارها از منظر امام خمینی(ره) که منجر به امنیت قضایی خواهد شد، عبارتند از: توقیف و احضار فقط با حکم قاضی، عدم جواز ورود به حریم مردم، ممنوعیت تجسس، عدم جواز تصرف در اموال مردم، عدم جواز اهانت به مجرم، تساوی افراد در مقابل قانون، تساوی افراد در نگاه قاضی، عدم جواز صدور حکم در حال غضب، لزوم تحقق شرایط جرم، توجه به اعمال اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها، رعایت اصل عدالت و بی طرفی توسط قاضی، قاطعیت در دادرسی، تسریع در دادرسی، امکان تجدیدنظر در آرا قضایی، رعایت حقوق شهروندی مردم، جلوگیری از هرج و مرج، نگاه تربیتی، اصلاحی و انسانی به زندانیان و دیگر مقتضیات دادرسی عادلانه. رعایت این اصول مورد نظر امام(ره) در عرصه قضایی، آرامش جامعه از حیث قضایی و امنیت شخصی را تأمین خواهد نمود (علیدوستی، ۱۳۹۰: ۱۶۴). امنیت قضایی در اندیشه امام خمینی(ره) دارای سه رکن اصلی می‌باشد؛ اولاً؛ تساوی مردم در برابر قانون و دادگاه، ثانیاً؛ حق دادخواهی و ثالثاً؛ حق دفاع از خود. بقیه اصول مرتبط با امنیت قضایی در اندیشه امام خمینی(ره) پیرامون این سه اصل قرار می‌گیرند.

البته باید به نصیحت راهبردی امام خمینی(ره) در خصوص دستگاه‌های قضایی کشور مبنی بر حفظ آبرو، شخصیت و حریم خصوصی افراد به دقت توجه کرد و آن را منشور دستگاه‌های قضا در تمامی کشورهای اسلامی قرار داد؛ زیرا عمل به فرامین ایشان، امنیت خصوصی، حریم شخصی و عرض شهروندان را صیانت خواهد نمود؛ «دستگاه‌های دادگستری و دادگاه‌های انقلاب و قضاوت دستگاه بسیار امر مهمی است که سر و کار با جان و آبرو و مال ملت دارد، و اهمیتی که اسلام به قضاوت داده است به کمتر چیزی داده است. امروز دستگاه دادگستری و دادگاه‌های انقلاب پاسبان آبرو و حیثیت جمهوری اسلامی و اسلام است و انحراف در قضا مردم را از این دستگاه مأیوس و به جمهوری اسلامی و روحانیون بدبین می‌نماید. مسئولان بالای قضایی موظفند در نهادهای مذکور نظارت کامل داشته و از انحرافات جلوگیری نمایند؛ و روحانیونی که در امر قضا گماشته شده‌اند بدانند که بالاترین مسئولیت را به عهده گرفته و انحراف به هر نحو از آنان متوقع نیست و با آنان سختگیری خواهد شد» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۲۱۸).

### تهديدات امنيت شخصي از منظر امام خميني(ره)

با واکاوی و مذاقه در اندیشه‌ها، بیانات و کنش‌های گفتاری امام راحل، می‌توان مؤلفه‌هایی را مبنی بر تهدیدهای پیش روی امنیت اشخاص مشاهده کرد. به هر روی، برخی از تهدیدات امنیت شخصی از منظر امام خمینی(ره) عبارتند از:

#### الف. تهدیدات راهبردی در حوزه آزادی شهروندان

برخی از تهدیدات حوزه آزادی شهروندان از منظر امام خمینی(ره) عبارتند از: تفتیش عقاید (صحیفه امام، ج ۳: ۱۰۰)، سلب آزادی قلم، بیان، افکار و حتی حق حیات (صحیفه امام، ج ۱: ۱۹۱)؛ غصب حقوق مسلمین و سلب آزادی (صحیفه امام، ج ۳: ۲۱۰)، فساد بی‌حد و حصر نسبت به مردم (صحیفه امام، ج ۴: ۵۰۵)، احزاب فرمایشی و انتخابات خائنانه (صحیفه امام، ج ۳: ۱۰۱)، محیط خفقان و ارعاب (صحیفه امام، ج ۳: ۲۶۱)، تجاوز به مراکز علم و دانش (صحیفه امام، ج ۱: ۱۷۸)، سانسور مطبوعات (صحیفه امام، ج ۱: ۹۴)، ارعاب و تهدید مطبوعات (صحیفه امام، ج ۱: ۸۹)، اختناق مطبوعات، فشارهای قوای انتظامی و جلوگیری از طبع و نشر نصایح و حقایق (صحیفه امام، ج ۱: ۱۴۹)، یورش بی‌رحمانه و مسلحانه علیه اظهار عقیده (صحیفه امام، ج ۳: ۱۰۱)، آزادی احزاب انحرافی وابسته (صحیفه امام، ج ۳: ۲۰۳)، آزادی‌های فردی پایمال شده و از میان برداشتن انتخابات واقعی، مطبوعات و احزاب (صحیفه امام، ج ۳: ۳۶۸)، اندیشه مترصد حصول ریاست‌های ظاهری (صحیفه امام، ج ۱: ۱۰۰)، آزادی توطئه (صحیفه امام، ج ۱۰: ۹۲)، آزادی فسادکاری (صحیفه امام، ج ۱۰: ۹۲)، جلوگیری از انعکاس اخبار مملکت (صحیفه امام، ج ۱: ۱۱۰)، آزادی ادعایی زنان (صحیفه امام، ج ۱: ۱۲۳) و غیره.

#### ب. تهدیدات در حوزه زندگی خصوصی و کرامت شهروندان

برخی از تهدیدات زندگی خصوصی شهروندان و کرامت آنها از منظر امام خمینی(ره) عبارتند از: ناامنی عمومی (صحیفه امام، ج ۲: ۱۶۱)، هتک آبرو و حیثیت اشخاص (صحیفه امام، ج ۱۵: ۴۰۸)، اعمال غیرشرعی و غیرقانونی (صحیفه امام، ج ۱۵: ۴۰۸)، ورود به خانه یا مغازه شخص بدون اجازه (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۴۰)، دخل و تصرف در اموال منقول و غیرمنقول اشخاص بدون حکم حاکم (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۴۰)، ورود به خانه و مغازه و یا محل کار شخصی بدون اذن صاحب آن (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۴۰)، گوش دادن به تلفن و ضبط صوت دیگری (صحیفه امام، ج ۱۷: ۱۴۰)، زورگویی‌ها علیه جان، مال و مسکن (صحیفه امام، ج ۱: ۲۸۸)، دست‌اندازی به حریم حقوقی دیگران در راستای منافع شخصی و لذت‌جویی (صحیفه امام، ج ۱۳۸۵: ۴۰)، ظلم، ستمگری و تجاوز به حریم افراد (صحیفه امام، ج ۱۷: ۳۲۳)، استبداد در برابر مردم و بهره‌گیری از روش‌های بربریت در پایمال کردن شرافت و آبروی مردم (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۷۶)، زیر بار رفتن تعدی و استعمار شرق و غرب (همان: ۲۳۳)، کینه‌توزی و نفرت نسبت به مردم (همان: ۹۰)، موضع‌گیری‌های ناشیانه و بی‌جگانه به دلیل کمبود و ضعف مبانی فکری و عقیدتی (صحیفه امام، ج ۲۰: ۳۲۸) و ....

### پ. تهدیدات در حوزه آبرو و حیثیت شهروندان

برخی از تهدیدات در حوزه آبرو و حیثیت اشخاص از منظر امام خمینی(ره) عبارتند از: هتک آبرو و حیثیت اشخاص (صحیفه امام، ج ۱۵: ۴۰۸)، هتک نوامیس (صحیفه امام، ج ۱: ۱۵۳)، بی‌توجهی به آرای مردم (صحیفه امام، ج ۵: ۹)، غیبت و تهمت زدن (امام خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۶۲۰)، رد کردن حیثیت کشور (صحیفه امام، ج ۲: ۴۸۴)، دخالت اجانب و تسلط آنها بر مقدرات مسلمین (صحیفه امام، ج ۵: ۲۳۶)، خدشه دار کردن شرف یک مؤمن (صحیفه امام، ج ۱۸: ۴۶۶)، انحراف در دستگاه قضایی کشور و دادگاه‌های انقلاب (صحیفه امام، ج ۱۴: ۲۱۸)، برخورد نیروهای پاسدار با شهروندان جامعه بر خلاف تعهد و سلامت اسلامی (صحیفه امام، ج ۱۲: ۴۸۸)، از بین رفتن استقلال قضایی کشور (صحیفه امام، ج ۲: ۴۸۴)، غیبت مؤمن و تهمت زدن به آن (امام خمینی، ۱۳۷۵، ج ۲: ۶۲۰) بدگویی و دروغ نسبت به دیگران (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۳۹) و ... .

در نهایت، امام خمینی(ره) اعتقاد دارند که مردم و مسئولین باید حقوق انسانی و شخصی شهروندان را حراست نمایند و وظیفه نیروهای تضمین‌گر امنیت نظیر دولت، قوه قضائیه، نهادهای انتظامی و امنیتی این است که حریم شخصی افراد را در برابر تهدیدات متنوع، ایمن سازند تا جایی که همه افراد بتوانند به بدون ارباب و تهدید، فشار روانی و ترس، تجاوز و دست درازی به حقوق شخصی خود به کنش و فعالیت مدنی و شخصی خود ادامه دهند و این موضوع، تعالی جامعه را به همراه خواهد داشت.

### نتیجه‌گیری

امنیت شخصی ناظر بر حفظ جان، مال، حیثیت و کرامت انسان‌ها است و اشخاص برای بهره‌برداری از حقوق شهروندی خویش نباید هیچ‌گونه هراس و اضطرابی داشته باشند و در عین حال، حکومت باید آنها را از تعرض حفاظت نماید. این مقاله درصدد برآمد که به این سؤال پاسخ دهد که مؤلفه‌های امنیت شخصی در اندیشه امام خمینی(ره) چه می‌باشند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که:

اولاً؛ امام خمینی(ره) به عنوان معمار کبیر انقلاب اسلامی، به ابعاد مختلف امنیت توجه داشتند و با مذاقه در اندیشه‌های امنیتی ایشان می‌توان به این مهم دست یافت که ایشان به امنیت اشخاص و شهروندان اعتقاد داشتند. نمونه بارز توجه امام خمینی(ره) به امنیت شخصی یا فردی، صدور فرمان هشت ماده‌ای به وسیله ایشان می‌باشد که برخی از مؤلفه‌های این فرمان مبنی بر: آرامش قضایی و در امان بودن جان و مال اشخاص، عدم تعرض به افراد، توقیف اشخاص با موازین شرعی و حکم قاضی، عدم ورود به منازل و محل کسب اشخاص، جایز نبودن تجسس در اسرار شخصی، عدم تعدی به افراد بدون داشتن حکم قانونی، استقلال قضایی، ایجاد احساس آرامش برای مردم و غیره، نشان از اهمیت امنیت حوزه خصوصی افراد و امنیت شهروندان می‌باشد. ثانیاً؛ برخی از مؤلفه‌های امنیت شخصی از منظر امام(ره) دارای مؤلفه‌های متعددی می‌باشد که برخی از آنها عبارتند از: حق برخورداری از آزادی برای شهروندان در عرصه‌های قلم و مطبوعات، عقیده و اندیشه، منصب و شغل، احزاب و گروه‌های سیاسی، اقلیت‌های

مذهبی و امور بانوان؛ پاسداشت حریم خصوصی و شخصی در حوزه‌های مکاتبات و ارتباطات، مسکن و حریم شخصی، محل کار، اموال و دارایی‌های شخصی؛ صیانت از شأن و کرامت انسانی شهروندان، جلوگیری از تخریب عرض، حیثیت و آبروی اشخاص در جامعه، ممنوعیت شکنجه و بد رفتاری با مجرمان و گناهکاران، امنیت قضایی و رعایت اعتدال در آن می‌باشد. ثالثاً؛ قاعدتاً مؤلفه‌های امنیت شخصی با تهدیداتی مواجه می‌باشد که با مذاقه در اندیشه‌های امام خمینی (ره) می‌توان به آنها دست یافت. به هر روی، برخی از این تهدیدات عبارتند از؛ دخالت اجانب و تسلط آنها بر مقدرات مسلمین، خدشه‌دار کردن شرف یک مؤمن، انحراف در دستگاه قضایی کشور و دادگاه‌های انقلاب، برخورد نیروهای پاسدار با شهروندان جامعه بر اساس حقوق نفسانیه و بر خلاف تعهد و سلامت اسلامی، از بین رفتن استقلال قضایی کشور، تفتیش عقاید، سلب آزادی قلم، بیان، افکار و حتی حق حیات، غصب حقوق مسلمین و سلب آزادی، فساد بی‌حد و حصر نسبت به مردم، احزاب فرمایشی و انتخابات خائنه، محیط خفقان و ارباب، تجاوز به مراکز علم و دانش، سانسور مطبوعات، هتک آبرو و حیثیت اشخاص، اعمال غیرشرعی و غیرقانونی، ورود به خانه یا مغازه شخص بدون اجازه، دخل و تصرف در اموال منقول و غیرمنقول اشخاص بدون حکم حاکم، ورود به خانه و مغازه و یا محل کار شخصی بدون اذن صاحب آن، گوش دادن به تلفن و ضبط صوت دیگری، زورگویی‌ها علیه جان، مال و مسکن، و غیره.

## منابع

- ابراهیم، شهرزاد و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره اول، بهار و تابستان، شماره ۴.
- ابراهیمی، محمد (۱۳۹۲)، *اعلامیه اصول اساسی رفتار با زندانیان*، پژوهشکده باقرالعلوم.
- آبی، محمود (۱۳۹۰)، ارتقاء و تضمین حقوق بنیادین بشر در پرتو دکترین امنیت انسانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم انسانی.
- اسحاقی، سیدحسین (۱۳۸۴)، *آزادی در اسلام و غرب*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- اسلامی، رضا و مرتضوی فرد، فاطمه (۱۳۹۴)، «آزادی از ترس»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، بهار، شماره ۴۶.
- اسماعیل پور، حامد و شریعت باقری، محمدجواد (۱۳۹۳)، «کاوش در مفهوم و جایگاه حق آزادی و امنیت شخصی»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۸، تابستان، شماره ۸۶.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)، «معمای امنیت عمومی»، در *امنیت عمومی و پلیس*، جلد ۲، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا، چاپ اول: ۲۳-۴۲.
- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱)، *امنیت، مفاهیم بنیادین علوم انسانی اسلامی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- افتخاری، اصغر (۱۳۹۳)، «ایمان و ایمنی: بررسی تطبیقی گفتمان امنیت ایمان محور و منفعت محور»، پژوهش‌های دفاعی و امنیتی اسلام، بهار و تابستان، شماره اول.
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین و شیرانی، فرناز (۱۳۹۲)، «حق تعیین سرنوشت در اسناد بین‌المللی و قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، بهار، شماره ۳: ۹۹-۱۲۲.
- اکبری مالستانی، رمضان (۱۳۸۹)، «حدود آزادی در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، فصلنامه حضور، تابستان، شماره ۷۳.
- الهامی، داود (۱۳۵۹)، «حق آزادی انسان در انتخاب شغل»، مجله درس‌هایی از مکتب اسلام، سال بیستم، اسفندماه، شماره ۱۲.
- بزرگی، سیدمهدی (۱۳۷۹)، «آزادی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، در سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی(ره)، جلد ۵، تهران: انتشارات دفاع، چاپ اول: ۸۳-۱۰۴.
- بسته نگار، محمد (۱۳۸۰)، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۶)، حق آزادی و امنیت شخصی در نظام حقوق بشر و نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بشر، دانشگاه تهران.
- بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۷)، «مبانی و سیر تحول حق آزادی و امنیت شخصی»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، مرداد و شهریورماه، شماره ۲۵۲ و ۲۵۱: ۱۶۶-۱۸۷.
- پاده، ابراهیم (۱۳۸۵)، حقوق کیفری/اختصاصی، تهران: انتشارات دانشور، چاپ اول.
- پورحسن، شکوفه و فاطمه فلاحی (۱۳۹۲)، «جایگاه کرامت انسان در حقوق بشر اسلامی»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، بهار، شماره ۳: ۱۲۳-۱۴۱.
- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۷)، «امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۱، پاییز، شماره ۴۱.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۶)، «مدخلی بر مفاهیم و رویکردهای امنیت ملی»، در توسعه و امنیت عمومی، جلد ۲، تهران، انتشارات وزارت کشور، چاپ اول: ۴۸-۷۱.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۶)، «امنیت به مثابه ارزش»، فصلنامه امنیت عمومی، سال دوم، بهار و تابستان، شماره اول و دوم (پیاپی ۲ و ۳): ۱۱۹-۱۴۰.
- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳)، مطالعات امنیتی نوین، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- تنهایی، علیرضا و دیگران (۱۳۹۴)، «نتایج هم‌دلی و هم‌زمانی دولت و ملت بر امنیت ملی»، فصلنامه امنیت پژوهی، سال چهاردهم، بهار، شماره ۴۹.
- تیگروم، باربارا فن (۱۳۸۹)، امنیت انسانی و حقوق بین‌الملل، ترجمه اردشیر امیرارجمند و حمید قنبری، تهران: انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد.
- جعفری، سیداصغر (۱۳۷۹)، «آزادی و حدود آن از منظر حضرت امام خمینی(ره)»، در سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی(ره)، جلد ۵، تهران: انتشارات دفاع، چاپ اول: ۸۳-۱۰۴.



- جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۸)، *امنیت در نظام سیاسی اسلام*، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.
- حسینی، فاطمه (۱۳۷۹)، «امام خمینی، آزادی و حدود آن»، در *سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی (ره)*، جلد ۵، تهران: انتشارات دفاع، چاپ اول، صفحات ۲۳۶-۲۲۱.
- خالقی، علی (۱۳۸۵)، *مشروعیت قدرت از دیدگاه امام خمینی (ره)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ دوم.
- خلیلی، رضا (۱۳۸۳)، «تحول تاریخی - گفتمانی مفهوم امنیت»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۷، بهار، شماره ۲۳.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۶۸)، *وصیت نامه سیاسی الهی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ چهارم.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲)، *آداب الصلوه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۵)، *استفتائات*، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۶)، *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ شانزدهم.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۷۷)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۶۹/ش ۱۴۱۱ق)، *جهاد اکبر یا مبارزه با نفس*، کراچی، اداره تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول.
- خمینی، سید روح الله (۱۳۸۵)، *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ چهارم.
- خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۵)، *ولایت فقیه/حکومت اسلامی*، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، چاپ سیزدهم.
- خواجه‌پیری، عباس (۱۳۹۲)، *امنیت فردی در اسلام*، تهران: نشر آثار سبز.
- داوری اردکانی، رضا و شاکری، سید رضا (۱۳۸۸)، «امنیت سیاسی در اندیشه‌ی امام خمینی (ره)»، فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۵، زمستان، شماره ۱۰.
- دری نجف‌آبادی، قربانعلی (۱۳۷۹)، «نگاهی به امنیت از منظر امیرمؤمنان (ع)»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال الدین و سرخیل، بهنام (۱۳۹۳)، «رفتارهای حمایت‌گراانه و امنیت انسانی؛ با تأکید بر رویکرد اسلامی»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره سوم، تابستان، شماره ۲.
- رجایی، غلامعلی و فکری، محمد (۱۳۹۰)، «حریم خصوصی شهروندان در اندیشه امام خمینی (ره) با تأکید بر فرمان هشت ماده‌ای»، فصلنامه متین، سال سیزدهم، پائیز، شماره ۵۲: ۵۱-۱۰۲.
- رجیبی پور، محمود (۱۳۸۴)، «درآمدی بر عوامل موثر بر احساس امنیت»، در *امنیت عمومی و پلیس*، جلد ۲، تهران، دانشگاه علوم انتظامی ناجا، چاپ اول: ۸۷-۱۰۴.
- رنجبر، مقصود (۱۳۷۹)، «گفتمان‌های امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان، شماره ۹.

- رنجبر، مقصود (۱۳۸۲)، *حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی(ره)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.
- ره پیک، سیامک (۱۳۸۶)، «نسبت امنیت فردی و امنیت عمومی»، فصلنامه امنیت عمومی، سال دوم، بهار و تابستان، شماره ۲ و ۱: ۹-۲۰.
- رهامی، روح الله (۱۳۹۳)، *امنیت انسانی و دولت*، تهران: انتشارات میزان.
- رهامی، روح الله (۱۳۹۳)، «بررسی وظیفه دولت‌ها در حفظ امنیت فردی انسان‌ها»، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال شانزدهم، تابستان، شماره ۴۳.
- زارعی، بهادر و دیگران (۱۳۹۲)، «بررسی گفتمان‌های امنیتی ملی جمهوری اسلامی ایران»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، بهار، شماره ۱.
- زین آبادی، مرتضی (۱۳۹۱)، «امنیت عمومی و اجتماعی»، در پژوهشنامه امنیت اجتماعی، شماره ۱۰۵، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول: ۶۲-۹۲.
- شهروز ابراهیمی و دیگران (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۱، بهار و تابستان، شماره ۴.
- شیخ صدوق (۱۴۰۴ق)، *من لایحضر الفقیه*، قم: جماعة المدرسین، چاپ اول.
- صادقی زیازی، حاتم و ابراهیمی منش، مهران (۱۳۹۳)، «حق آزادی و امنیت شخصی در استاد بین‌المللی حقوق بشر و حقوق ایران؛ با نگاهی به نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری»، مجله حقوق تطبیقی، دوره پنجم، تابستان و پاییز، شماره ۱.
- صادقیان، سیدجلال (۱۳۸۴)، «درآمدی بر امنیت و ابعاد و گستره آن»، فصلنامه امنیت عمومی، سال دوم، بهار و تابستان، شماره اول و دوم (پیاپی ۳ و ۲): ۶۹-۸۶.
- صباغیان، علی (۱۳۹۲)، «امنیت انسانی و دفاع همه‌جانبه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۶، زمستان، شماره ۶۲.
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۰)، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر*، انتشارات دانشگاه تهران.
- عباس‌زاده، مهدی (۱۳۹۰)، «سازوکارهای تامین امنیت نرم در اسلام»، در *امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران*، جلد اول، تهران، دانشگاه امام حسین(ع)، چاپ اول: ۷۱-۱۰۲.
- عصاره، عبدالله (۱۳۹۲)، *آزادی و مصونیت مسکن*، پرتال پژوهشکده باقرالعلوم.
- عطارزاده، مجتبی (۱۳۸۶)، «امنیت مشارکت مدار دینی»، فصلنامه امنیت عمومی، سال دوم، بهار و تابستان، شماره اول و دوم (پیاپی ۳ و ۲): ۷۱-۹۷.
- علیدوستی، ناصر (۱۳۹۰)، «امنیت قضایی در نظریه حکومتی امام خمینی(ره)»، در *امام خمینی(ره) و بنیان‌های نظری امنیت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول: ۱۳۵-۱۶۶.
- عزیزاده، عبدالرضا و کاویانی، محمدهادی (۱۳۹۰)، «حق امنیت فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، سال چهل و یکم، زمستان، شماره ۴: ۲۵۷-۲۷۲.

- فدوی بنده قرائی، احمد و تقی‌زاده، ابراهیم (۱۳۹۱)، «آزادی و جایگاه آن در اندیشه حقوق بشری امام خمینی(ره)»، فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال اول، پائیز، شماره ۱: ۳۱-۵۰.
- قاسمی، فرهاد (۱۳۸۶)، «بررسی مفهوم امنیت در سیاست تازه بین‌الملل»، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۴۵ و ۲۴۶.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۷)، «نسبت امنیت انسانی و توسعه پایدار»، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۱۱، پاییز، شماره ۴۱.
- قرائتی، محسن (۱۳۹۲)، *جایگاه امنیت در اسلام*، درس‌هایی از قرآن کریم.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۱)، «راهکارهای تأمین امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه عملیات روانی، سال نهم، پائیز، شماره ۳۴: ۳۹-۶۰.
- قیصری، نوراله (۱۳۹۲)، «امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران؛ الگویی برای تبیین و اجرای سیاست‌های کلان»، فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۹، تابستان، شماره ۱۷.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، *مبانی حقوق عمومی*، تهران: نشر دادگستر.
- کاویانی، محمدهادی (۱۳۹۰)، «حق تأمین امنیت فردی و تأمین آن برای نهج البلاغه»، فصلنامه حقوق خصوصی، سال هشتم، پائیز و زمستان، شماره ۲: ۱۰۳-۱۳۶.
- کریمی، علی و بابایی، اکبر (۱۳۹۰)، *امنیت ملی از منظر امام خمینی(ره)*، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی و معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- کریمی، علی و دیگران (۱۳۸۹)، «تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال سیزدهم، پائیز، شماره ۴۹.
- گل‌پذیر، امین (۱۳۹۱)، *تأثیر دکترین امنیت انسانی بر تضمین و ارتقاء حقوق بشر*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان، دانشکده علوم انسانی.
- گلشنی، علیرضا و باقری، محسن (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی مفاهیم آزادی و برابری در نظام لیبرال دموکراسی غرب و مردم سالاری دینی»، *مجموعه مقالات سومین همایش مردم سالاری دینی*، جلد ۲، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
- لک زایی، شریف (۱۳۷۹)، «مفهوم آزادی و حدود آن در اندیشه امام خمینی(ره)»، *در سیری در اندیشه‌های دفاعی امام خمینی(ره)*، جلد ۵، تهران: انتشارات دفاع، چاپ اول: ۷۵-۸۱.
- لک زایی، شریف (۱۳۸۳)، «مردم سالاری دینی و حقوق اقلیت‌ها در نظریه سیاسی امام خمینی(ره)»، فصلنامه دین و ارتباطات، پائیز، شماره ۲۳: ۹۰-۱۲۰.
- ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ سوم.
- محسنی، رضا علی (۱۳۸۹)، «ابعاد و تحلیل حقوق شهروندی؛ راهکارهایی برای تربیت و آموزش حقوق شهروندی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، زمستان، شماره ۱۰: ۱۱۷-۱۴۴.

- معمار، رحمت الله (۱۳۸۷)، «بررسی تطبیقی نظریه‌های لیبرال دموکراسی و مردم سالاری دینی از منظر امام خمینی»، فصلنامه متین، دوره دهم، بهار، شماره ۳۸.
- منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۱)، *آزادی‌های شخصی و فکری از نظر امام خمینی(ره) و مبانی فقهی آن*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ اول.
- منصور، جهانگیر (۱۳۸۷)، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر دوران، چاپ پنجاه و نهم.
- میراحمدی، منصور (۱۳۷۸)، «درآمدی بر آزادی‌های سیاسی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان، شماره ۵.
- میل، جان استوارت (۱۳۴۹)، *رساله درباره آزادی*، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران: نشر کتاب.
- نصری، قدیر (۱۳۹۱)، «امنیت جامعه؛ معنا، محدوده و مؤلفه‌ها»، در *مبانی و مسائل امنیت اجتماعی: رویکردی ایرانی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول: ۶۱-۸۶.
- نصری، قدیر (۱۳۹۰)، *درآمدی نظری بر امنیت جامعه‌ای (مفاهیم، مؤلفه‌ها و نظریه‌ها)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.
- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸)، *امنیت اجتماعی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، تهران: نشر میزان.
- Eriksen, Thomas Hylland and et.al (2010), *A World of Insecurity: Anthropological Perspectives on Human Security*, London, Pluto Press.
- Graham, Garden (1991), *Contemporary Social Philosophy*, Oxford, Black well.
- Macovei, Monica (2004), *The Right to Liberty and Security of Person, A Guide to the Implementation of Article 5 of the European Convention on Human Rights*, Human rights handbooks, No. 5, Council of Europe.
- McSweeney, Bill (1999), *Identity and Interests, A Sociology of International Relation*, Cambridge University press.
- Nowak, Manfred (2005), *Convention on Civil and Political Rights*, CCPR Commentary, N.P. Engel. Publisher.
- Powell, Rhonda (2007), «The Right to Security of Person in European Court of Human Rights Jurisprudence», *European Human Rights Law Review*, vol.6, Issue 6.
- UNDP (1994), *Human Development Report 1994*, Oxford University Press, New York.
- Wolfer, Amohd (1962), *Discord and Collabortion: Essayon Internation Polithics*, Baltimore, John Hopkins University press.